

راه پوده

شهرستان سربلستان در خارج از کشور

شماره ۲۴ و ۱۴ و ۱۳ و ۱۲ و ۱۱ و ۱۰ و ۹ و ۸ و ۷ و ۶ و ۵ و ۴ و ۳ و ۲ و ۱
 شماره ۲۴
 شماره ۱۰

تجهیز همه جانبه امپریالیسم برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران

هفته گذشته "فرماندهی مرکزی نیروهای" مداخله سریع " آمریکا آغاز بکار کرد . نیروهای " مداخله سریع " که در پی انقلاب ضد امپریالیستی مردم ایران ، در سال ۱۹۸۰ تشکیل شده شامل ۲۳۰ هزار سرباز آمریکایی است که به گفته رئیس ستاد ارتش آمریکا ، پیوسته آماده جنگ است ، منطقه عمل این نیروها شامل ۱۹ کشور است و تمام منطقه خاورمیانه و نزدیک و اقیانوس هند را در بر میگیرد . بنا به اطلاع " آسوشیتد پرس " این فرماندهی مسئول عملیات در کشورهای ذیل است : ایران ، عراق ، پاکستان ، تمام کشورهای عربی خلیج ، و کشورهای عربی دیگر . افغانستان ، یمن ، مراکش و اتیوپی نیز جز این کشورها هستند . تنهاسرائیل لبنان و سوریه تحت مسئولیت فرماندهی ارتش آمریکا مستقر در اروپا باقی خواهند ماند . طبق گفته و این برگر ، واحد های تحت فرماندهی این مرکز ، در درجه اول برای عملیات در مناطق نفت خیز خلیج فارس در نظر گرفته شده است . طبق گفته و این برگر ستاد این فرماندهی در جزیره دیگوگارسیا ، در اقیانوس هند ، مستقر خواهند شد . همچنانکسه بارها اعلام شده است هدف از تشکیل این سپاه و اخیرا فرماندهی آن ، تأمین جریان " آزاد " نفت در آمریکا و کشورهای هم پیمان در صورت به خطر افتادن آن از جانب جنبشهای انقلابی در کشورهای منطقه ، و حفظ رژیمها .
 بقیه در صفحه ۵

پیشنهاد مهم پیمان ورشو برای تأمین صلح

طلب هستند ، میتوان این مرحله خطرناک در روابط بین المللی را پشت سر گذاشت . کشورهای عضو پیمان ورشو برای تأمین صلح جهانی و کاستن رود روی بین المللی راه جلوگیری از بروز فاجعه اتمی " را پیشنهاد میکنند " و از تمام نیروهای بین المللی میخواهند تا به خاطر حفظ زندگی و تمدن بر روی زمین همکاری گستردهای را دنبال کنند .
 ● صلح سلاح همه جانبه
 در این بیانیه باردیگر کشورهای عضو پیمان ورشو تأکید کردند که در یک جنگ اتمی برندهای وجود ندارد . بی آمد چنین جنگی نتایج فاجعه انگیزی برای تمدن بشری بر روی کسره زمین به همراه خواهد داشت . بدین جهت امروز برای کشورهای سوسیالیستی هیچ وظیفهای مهتر بقیه در صفحه ۳

اجلاس اخیر کشورهای عضو پیمان ورشو ، بیلا شرکت در بیلا اول احزاب کمونیست و روسای کشورهای شوروی ، بلغارستان ، لهستان ، آلمان دموکراتیک ، چکسلواکی و رومانی در پراگ روز سه شنبه ۱۴ (۴ ژانویه) گشایش یافت و پس از دو روز با صدور بیانیه بسیار مهمی که در آن پیشنهادت معقول و قابل اجرائی برای تحکیم صلح در اروپا به کشورهای پیمان ناتو ارائه شده است به کار خود پایان داد . کشورهای عضو پیمان ورشو نگرانی شدید خود را درباره سیاست تسلیحات و رود رویی نیروهای تجاوزگر امپریالیستی ، که صلح جهانی را بیشتر از هر زمان به خطر انداخته است ، ابراز داشتند . در این بیانیه آمده است : " خطر بروز جنگ بویژه جنگ اتمی افزایش می یابد " اما با اینهمه ، هنوز با تمام پیچیدگیها موجود در شرایط فعلی جهان ، بدین خاطر که نیروهای صلح دوست نیرومندتر از نیروهای جنگ

خلق ضامن تحقق فرمان امام است

آیت الله موسوی اردبیلی :
 " ... به حضور امام رسیدیم و از حال ایشان استفسار کردیم . ایشان برای اولین بار در این مدتی که خدمتشان بودهام گفتند ، اگر کار را درست کنید ، حال خوب است . و این برای اولین بار بود که دیدم امام نگران این بودند ، که این کار درست خواهد شد ... " (کیهان ۱۱ دیماه ۶۱)
 چهار هفته از صدور فرمان مهم ۲۴ آذر امام خمینی ، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران ، سپری شده است . در تأیید و تأکید این فرمان ، امام بیانات دیگری نیز داشته اند و فرمان دیگری نیز صادر کرده اند ، که در آنها موارد ویژه ای مورد توجه قرار گرفته است ، از جمله فرمان انحلال هیئت های گزینش در مورد این فرمان مهم امام تمام مسئولین بلند پایه جمهوری اسلامی ایران ، نمایندگان متعدد مجلس شورای اسلامی ، شخصیت ها و سازمان های سیاسی ایران نظر داده اند و در مطبوعات ایران متن صاحبه هائی درج گشته ، که با مردم در این مورد انجام شده است .
 حزب توده ایران این فرمان را به عنوان حرکتی ارزیابی می کند ، که می تواند سرآغاز یک مهمی برای دورانی تازه از تحقق آزادی ، که بخش جدائی نشدنی شعار بزرگ انقلاب ما بود ، باشد و گزینش می کند که :
 میزان ، عمل است !
 این فرمان مهم امام را اما یک خطر جدی تهدید می کند ! خطری که امام خمینی خود نیز آن را احساس می کنند و به همین علت هم ، همان طور که خطاب به آیت الله موسوی اردبیلی اظهار کردند ، آنها دلپره " نگران " آند ، که آیا " ایمن بقیه در صفحه ۶

قانون شکنان باید به فرمان امام به دادگاه سپرده شوند حقوق قانونی بانوان را از دستبرد مصون داریم !

کنند ، چون با تأییدات امام در زمینه نقش زنان در انقلاب و برابری حقوق آنان با مردان ، همچنین تشریحی که قانون اساسی جمهوری اسلامی در زمینه آزادی انتخاب شغل برای همه افراد جامعه اعم از زن و مرد دارد ، این مسئله مغایر با رهنمود های فوق میباشد .
 ظلم و بی عدالتی و به ویژه قانون شکنی علیه حقوق قانونی زنان متأسفانه به این یک مورد پایان نمی یابد . در روزنامه های ایران هرروزه نامه های دوج و اخباری ارازه می شوند دال بسمر فشار و ظلمی که در حق زنان و مادران بی پناه می شود . این زنان زحمتکش و خواران و مادران فداکار در نامه های خود با توجه به منافع انقلاب حقوق خود را مطرح می کنند و از آنها بقیه در صفحه ۱۱

نامه ای در تاریخ ۲۴ آذرماه ۶۱ در روزنامه اطلاعات چاپ شده است ، که یک بار دیگر بعد اهمیت فرمان مهم امام خمینی را که در روز ۲۴ آذر صادر شده است ، نشان می دهد .
 این نامه توسط " جمعی از خواهران علاقمند به تحصیل در رشته کشاورزی " نوشته شده است ، که خواستار رفع تبعیض اعمال شده علیه بانوان توسط مسئولین ستاد انقلاب فرهنگی " هستند .
 در این نامه این بانوان با اشاره به " قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران " و " تأکیدات امام " می طلبند که راه تحصیل در رشته کشاورزی برای بانوان نیز باز گذاشته شود . آنها می نویسند :
 " از مسئولین ستاد انقلاب فرهنگی تقاضا دارد ، مضمی را که نسبت به تحصیل خواهران در رشته کشاورزی در دانشگاهها ایجاد کرده اند ، رفع

بخاطر صلح ، در راه زندگی ، علیه جنگ هسته ای

محتوای فرمان امام خمینی در بوته آزمایش

روزهایی که از صدور فرمان مهم ۸ ماده‌ای امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران گذشته است، بیانات و اظهاراتی که بدین مناسبت از جانب مقامات مسئول و دولتمردان شده و فهرست اقدامات ملی، که توده محروم هم چنان در انتظار اعلام و انجام آن‌ها هستند، نشان می‌دهد که بسیاری چیزها در آینده، مربوط به نحوه تلقی و برخورد مسئولان مملکتی با محتوای این پیام و چونگی اجرای آن خواهد بود. سبب گفتارها و نوشتارها نکتهدار را درباره اهمیت این فرمان فریادگرانه است. ولی تمام مسئله اینجاست، که با این فرمان مهم، که در صورت درک عمیق و مردمی از آن و در صورت اجرای سریع و قاطع و گسترده آن، می‌تواند نقش مهمی در سیر آینده حوادث در کشور داشته باشد، چگونه رفتار خواهد شد؟

همه این گفتارها و نوشتارها دو نکته را به ویژه در برابر ما مطرح می‌کنند: نکته اول این که: آیا عقیق و معنای این فرمان واقعا به مثابه مرحله‌ای در تکامل انقلاب و لزوم ایجاد آرامش و امنیت در جامعه، هم از نظر فردی و خصوصی و هم از نظر اجتماعی و سیاسی بر شالوده حفظ قانونیت و تأمین آزادی و لگام زدن بر خود سوری‌ها و قانون شکنی‌ها درک خواهد شد، که الزاما قطع ریشه‌های تجار و زارت به حقوق فساد و فساد و اجتماسی تثبیت شده در قانون اساسی و وابستگی وفارت سرمایه داری بی‌بند و بار را به همراه خواهد داشت، یا این که تمام محتوای آن را در مشیلا نریختن به خانه مردم، نبرد زدن آلیم خانوادگی و نگرختن نور و نشوندن مکالمات تلفنی خصوصی و رفع توقیف از اموال متهمان به غارت مردم خلاصه خواهند کرد؟ و یا به بیان این‌ها، مسائل اساسی مبارزه همه جانبه با نارتگری و تأمین آزادی اجتماعی و سیاسی را "بسی" خواهند کرد؟

نکته دوم این که: آیا همچنان که متاسفانه در گذشته بارها اطلاق افتاده، همدارها و رهنمودها و فرامین سریع امام خمینی را بسا هیا و هورا استقبال خواهند کرد، ولی بسا فراموشی و برخوردی گذرا بدیده خواهند نمود؟ زیرا هر قدر هم دامنه گفتارها و نوشتارها در حال حاضر وسیع باشد، تا مرحله اتخاذ تدابیر قاطع علی‌الفرمان، مردم حاضر این که دستهای بی فرمان امام خمینی را هم صغ و بدل به هیچ کنند، وجود خواهد داشت.

بنابراین تعبیری که از فرمان امام خمینی خواهد شد و اجرای آن، بوته آزمایشی است که اکنون دست اندرکاران و دولتمردان از آن باید بگذرند.

این دو نکته گریز را در تعطیل بی‌آندهای فرمان امام خمینی و بررسی رویدادهایی که می‌توان و باید منتظر آن بود، باید در نظر داشت. امام خمینی در یکی از سخنان اخیر در توجیح فرمان می‌نویسد:

"نه جاسوسی شود و غتیش عقاید و نه کسی متجاهر به فسق شود. . . . دیگر خال آرامش است. . . حال خدمت به مردم و جامعه است." این سخنان به نکته اول، به محتوای غنسی و گسترده فرمان اشارت دارد و بیان آن ضرورت داشته است، زیرا آشکارا کوشش‌هایی دیده می‌شود. در جهت سطحی کردن معنای فرمان و منحصر کردن آن به مسائل فرعی و دست دوم. امام خمینی خود جنبه سیاسی و اجتماعی فرمان را خاطر نشان می‌کند و مرحله جدیدی را، که می‌بایست آغاز شود با محتوای خدمت به مردم نشان می‌دهند.

در سلسله مقالات مهم آقای محمد رضا حکیمی منتشره در روزنامه کیهان، درباره معنای ابعاد و اهمیت فرمان و آن چه که باید از اجرای علی‌الآن ناشی شود، چنین می‌خوانیم:

"ظلم و استعمار از جامعه رخت برنهند، محرومیت و استضعاف و تفاوت نابود شود و شخصیت حقیر شده، انسانی بد و بازگردد."

بین این تعبیر از پیام با تمام معنای اجتماعی - سیاسی آن و تعبیر سزونی کننده و سطحی کننده آن تفاوتی ریشهای وجود دارد و همسه چیز وابسته بدانست که: آیا مسئله را به کدام تعبیر برداشت کنند؟

آقای ناطق نوری وزیر کشور می‌گوید: "چهار سال پس از انقلاب ما باید سعی کنیم جامعه به روال عادی خود بازگردد." وی ادامه می‌دهد: "مردم باید احساس امنیت اجتماعی کنند." و سپس اضافه می‌کند: "و به دنبال این، امنیت سیاسی هم به وجود بیاید."

بین این برداشت، با برداشتی که کار را به ظاهر محدود کند و با صدور چند بخشنامه و احیاناً رفع برخی مزاحمت‌های فردی و خانوادگی سرورته قضیه را به هم آورد، تفاوتی اصولی وجود دارد.

آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی می‌گوید: "همه ما باید فرمان امام را خیلی مهم و جدی تلقی کنیم و پشتش بایستیم تا این مرحله را تحقق بخشیم."

راز پوشیدهای نیست که بسیاری فرمان را "جدی" نمی‌گیرند و آن را یک "مرحله" تلقی نمی‌کنند.

آقای انصاری نمایندنده مجلس یکی از جنبه‌های سیاسی فرمان را خاطر نشان می‌سازد و می‌گوید: "تنگ نظری‌هایی که مد فای اعمال می‌کردند، موجب شده بود که به سرعت دوستان نسبی انقلاب و احیاناً افراد بی‌غایت که می‌شد آن‌ها را دوست انقلاب کرده به سرعت به سوی صدا انقلاب و جرحه آن‌ها سوق داده شوند."

برخی‌ها برای نشان دادن محتوای واقعی فرمان و کوشش جریانات مخالف خط اصیل انقلاب در جهت بی‌محتوای کردن آن، از ضرب‌المثل‌های قدیمی استفاده می‌کنند. آقای نوروزی نمایندنده مجلس هشدار می‌دهد که: "کوشاگر کوش‌ما و ناله اگر ناله امام باشد. . . . و سپس به سوابق موجود تکیه می‌کند، و کیهان یادآوری

می‌کند که: بعضی‌ها داستان "کی بود کسی بود من نبودم . . ." را احیا کرده‌اند. این درباره نکته اول.

و اما درباره نکته دوم، یعنی اجرا شدن و به عمل در آمدن فرمان، صراحتا باید گفت که پشت‌کوش‌انداختن و تعلل، تشریفات کردن و به فراموشی سپردن، خطری است که به واقع هم فرمان را تهدید می‌کند.

آیت‌الله العظمی منتظری در سخنان خود خواستار "عمل، نه شعار و صاحب شده و گفته است: "کارکنند تا امید مردم به پاس بدل نمود."

آقای موسوی نخست‌وزیر گفته است: "الکر (اجرای فرمان) با قاطعیت و سرعت صورت گیرد، نقطه عطفی خواهد بود."

آقای وزیر کشور می‌گوید: "فرمان امام باید به طور دقیق به اجرا در آید."

نمایندگان مجلس، که در گذشته بارها شاهد عدم اجرای پیام‌ها و فرامین امام خمینی بوده‌اند، در زمینه اجرا و عمل همدارها داد‌مانند. صاحب‌های آنان را روزنامه‌اطلاعات با عنوان کلی: "اجازه نمی‌دهیم اجرای پیام امام پس از چند صباح فراموش شود"، چاپ کرده است.

آقای منتجب‌نیا می‌گوید: "بعد از صدور چنین پیام‌هایی موجی از استقبال و حمایت از هر سوره می‌افتد، ولی متاسفانه با گذشت چند روز محتوای آن به دست فراموشی سپرده می‌شود."

آقای فاضل هردی هشدار می‌دهد، که می‌باید ملت حسن‌کند که بعد از یک ماه و دو سه که از این پیام گذشت، اثر علی این پیام در بازار و بازار و در دایره دولتی دیده نشود.

آقای انصاری می‌گوید: "نکته‌ای از این پیام امام به فراموشی سپرده شود."

آقای رضوانی می‌گوید: "آن را به صورت شعار سرافراز مکتب‌ها قرار ندهید."

آقای هادی خامنه‌ای می‌گوید: "مسئولان تنها به صدور بخشنامه به مسئولان پایین‌تر و تشکیل جلسات و کمیسیون‌ها اکتفا نکنند و بسه جای گفتار به کردار بپردازند."

چرا این سخنان زده می‌شود و این هشدار داده می‌شود؟ زیرا که متاسفانه در گذشته چنین بوده و خاطر تکرار وجود دارد. عمل میزان است. در مرحله اجراست که پس از داشتن یک تعبیر عمیق و درست، مسئولان و دولتمردان از بوته آزمایش می‌گذرند.

از مضبوطات نیز نمونه بیابیم: صبح آزادگان می‌بوسند: "آن چه پیش از همه باید مورد توجه قرار گیرد، عمل به آن و منطبق کردن عملکردها با چنین فرامین است." و دیهان مشاهده می‌کند، که روش "کرد و غبار و سرحد و شیوه‌های جنجالی و ژورنالیستی" در قبال فرمان امام خمینی به راه افتاده است. این هم درباره نکته دوم.

پیشنهاد مهم پیمان ورشو برای تأمین صلح

بقیه از صفحه ۱

از حفظ و نگهداری صلح و متوقف ساختن تولید تسلیحات نمی باشد . کشورهای عضو پیمان ورشو در گرد همایی خود به طور کلی تصمیمات زیر را در راس هد فهای خود قرار دادند :

- ۱- پیشقدم نشدن در به کار گرفتن سلاحهای هسته ای .
- ۲- جلوگیری از ادامه تولید سلاحهای استراتژیک .
- ۳- پایان دادن به آزمایشهای هسته ای .
- ۴- متوقف کردن تولید سلاحهای نوپرونی .
- ۵- جلوگیری از توسعه تسلیحات و مانورهای نظامی در دریاها .
- ۶- جلوگیری از استقرار هر گونه سلاحی در کیهان .
- ۷- این بیانیه از کشورهای عضو پیمان ناتو میخواهد تا با اتخاذ تصمیمات قابل اجرا به مسابقه تسلیحاتی پایان دهند . کاستن بودجه نظامی می تواند کمک قابل ملاحظه ای به رشد و توسعه خدمات اجتماعی ، فرهنگی و درمانی در این کشورها نماید .

● برای تأمین صلح

" تثبیت صلح در اروپا برای تقویت صلح جهانی و کاهش خطر جنگ نقش عاجل و تعیین کننده دارد . " بنا بر این باید " دستاوردهای سیاست تنش زدائی را حفظ کرده ، آنها افزایش داد . "

● سلاحهای اتمی با بسرد متوسط

کشورهای عضو پیمان ورشو " بهترین راه حل را ایجاد یک اروپای هاری از موشکهای میانبرد با کلاهکهای اتمی و سلاحهای استراتژیک هسته ای میدانند . چنانچه یک چنین راه حلی (راه حل صفر واقعی) در حال حاضر قابل اجرا نباشد ، باید تعداد این نوع سلاحها بر طبق اصل برابری و تساوی امنیت کاهش یابد . " تمام کشورهای اروپائی میباید خود را برای پیشبرد مذاکرات در اینجهت آماده سازند .

● سلاحهای شیمیائی

کشورهای سوسیالیستی عضو پیمان ورشو تلاش میکنند تا اروپا را از شر هر نوع سلاح ناپذیری جمعی ، مانند سلاحهای شیمیائی نجات دهند و در این رابطه از هیچ اقدامی کوتاهی نخواهند کرد .

● سلاحهای قراردادی

این کشورها " به خطراتی که از جانب سلاحهای قراردادی ، صلح اروپا را تهدید میکند واقف هستند " و پیشنهاد میکنند که کشورهای شوروی و امریکا نیروهای نظامی خود در اروپا را کاهش دهند . و پس از کاهش دادن آنها تمام کشورهایی که در مذاکرات وین شرکت داشتند نیروهای خود را در سطح فعلی نگاه دارند .

● همکاری کشورهای اروپائی

کشورهای سوسیالیستی پیشنهاد می نمایند که کشورهای اروپائی مذاکرات خود را در کنفرانس " امنیت و همکاری اروپا " در مادرید هر چه سریعتر با موفقیت به پایان رسانده و کنفرانس ویژه ای را برای بکار گرفتن تدابیر لازم جهت ایجاد اعتماد ، امنیت و صلح در اروپا تشکیل دهند و همکاریهای مشترک در بخشهای اقتصادی ، سیاسی انسانی و غیره را گسترش دهند .

● قرارداد برای منع اعمال قدرت نظامی

کشورهای سوسیالیستی مایلند که قراردادی مبنی بر عدم استفاده از قدرت نظامی و حفظ مناسبات صلح آمیز بین پیمانهای ورشو و ناتو امضا شود که طبق آن " کشورهای عضو دو پیمان متعهد شوند که در استفاده از سلاحهای اتمی و قراردادی پیشقدم نشوند . " در این بیانیه باردیگر کشورهای سوسیالیستی پیشنهاد خود را مبنی بر انحلال هر دو بلوک و در وهله اول سازمانهای نظامی آنها را تکرار کردند .



سه برهان علیه پیشنهادات آندرو ویف و ارزش آنها

واقعیت اینست که موشکهای غربی نیز فقط دارای یک کلاهک هسته ای نیستند ، مدعیان این " دلیل " در مایل اینکه موشکهای مستقر در زیر دریایی های بریتانیا که از نوع پلاریس هستند هر یک ۶ تانک هسته ای دارند و موشکهای جدید اتمی که خانم مارگارت تاچر سفارش داده هر یک ۱۴ تانک اتمی حمل خواهند کرد ، چه میگویند

در فرانسه قرار است به جای موشکهای مستقر در روی زمین و در پایگاههای دریایی که تنها بحال هر یک یک کلاهک اتمی داشته اند ، از این پس موشکهای استقرار یابند که هر یک مجهز به ۷ کلاهک هسته ای می باشد .

از سال ۱۹۹۰ قرار است به جای ۵ زیر دریایی فرانسوی با موشکهای اتمی ، ۷ زیر دریایی در اختیار این عضو " ناظر " ناتو باشد .

۲- ادعا می شود که پیشنهادات صلح شوروی بر پایه و اساس هستند ، چون فرانسه و بریتانیا در مذاکرات ژنو شرکت ندارند .

درست است که فرانسه و بریتانیا در ژنو پشت میز مذاکره نشستند ، ولی موشکهای اتمی آنها که مسکو را هدف قرار داده اند که وجود دارند !!

به علاوه مگر فرانسه و انگلیس هم پیمانان نظامی امریکا نیستند ؟ آیا با خروج فرانسه از بخش نظامی ناتو موشکهای هسته ای فرانسه غرب را نشان گرفته اند ؟ لذا روشن است که این موشکها هم پایستی به حساب آیند .

۱- ادعا می شود " برتری " اتحاد شوروی حتمی بعد از پیشنهادات تازه شوروی برقرار خواهد ماند و واقعیت اینست که هدف پیشنهادات صلح آندرو برقراری توازن نظامی در مورد همه نوع سلاحهای میانبرد اتمی - چه مستقر بر روی زمین ، چه دریا - پایگاههای دریایی و همچنین هواپیماهای حامل بمب های اتمی - است - چگونه اتحاد شوروی می تواند برتری نظامی پر ناتو داشته باشد ، اگر تعداد موشکهای اتمی آنرا به آن اندازه باشد که مجموعا فرانسه و بریتانیا در اختیار دارند ؟

چطور می تواند تعداد کتری اس اس اس ۲۰ خطر بیشتر برای ناتو داشته باشد

اتحاد شوروی تلاشی می کند تا توازن قوا در سطح هر چه نازلتری برقرار گردد . برای دست یافتن به این هدف امریکا نیز باید دست به خلع سلاح بزند . اما امریکا باید فقط آنقدر از سلاحهای اتمی اش بکاهد که تعداد هواپیماهای حامل بمبهای اتمی امریکا به اضافه متحدانش فرانسه و بریتانیا دقیقاً همانقدر شود که اتحاد شوروی در اختیار دارد .

در حال حاضر اتحاد شوروی در مقابل ۷۲۳ هواپیماهای حامل بمب اتمی امریکا دارای ۴۶۱ بمب افکن مشابه می باشد .

۲- ادعا می شود که موازنه نامبرده از جانب آندرو با ۱۶۲ موشک شوروی در برابر ۱۶۱ موشک امریکا ناعادلانه است ، زیرا موشکهای شوروی سه کلاهک هسته ای دارند .

چوب را که برداری...

پنجشنبه ۱۶ دی ، رادیوی تهران یک مقاله اساسی روزنامه جمهوری اسلامی را درباره فرمان پانزدهم دی امام ، پیرامون جزوه های کذافی آزمون ایدئولوژی و انحلال هیئت های گزینش در برنامه بررسی مطبوعات خود گنجا نیده بود . این مقاله عبارت بود از یک فحشنامه خشم آلود علیه حزب توده ایران . دشمنان انقلاب چون با فرمانهای اخیر امام در تنگنا قرار گرفتند باز هم چماق توده ستیزی را بچرخش درآوردند .

هم نویسنده مقاله و هم انتخاب کننده آن برای رادیو نتوانسته بودند و نمیتوانستند نگرانی خود را از فرمانهای اخیر امام پنهان کنند . اما تاکتیک آنها برای فرار از زیر بار مسئولیت سنگین وارد آوردن زبانهای هولناک بر آبرو و حیثیت جمهوری اسلامی ایران شکست آور بود .

نویسنده مقاله مدعی شده بود کسانی جزوهها را به قشرها و مسلمان نماها بلکه گروهکها و حزب توده تهیه کرده اند و هدفشان جلوگیری از ورود افراد حزب اللهی به ادارات و ارگانهای انقلابی و نفوذ خودشان در آنها بوده است . زیرا " منافقین و تودمایها که این جزوهها را خودشان می نوشتند جواب سئوالها را از قبل تهیه میکردند و میدانستند که گفتن از چند تکه تشکیل میشود " اما حزب اللهی ها علی رغم "علاقه زیاد بدانشتن اینگونه مسائل و آشنا شدن با طهارت و نظافت و نجاست از عهده امتحانات بر نمی آمدند . و بنا براین ادارات و نهادها پر میشد از عوامل نفوذی گروهکها و تودمایها ، در حالیکه حزب اللهی ها پشت در می ماندند . اگر شاه زنده بود برای تشویق این بیشرمی میگفت : "زهاره !"

البته طرح اینگونه ادعاها برای سرافرازی دروغ و نوشتن گناهان خوش به پای دیگران از عهده هر کسی بر نمی آید . فقط کسی که بسه با فتن ترین درجه انحطاط اخلاقی سقوط کرده باشد میتواند دست به چنین اعمالی بزند و جزوه های خود نوشته را به تودمایها نسبت دهد . اما آیا با این مرد رندیها میتوان مردم را گول زد و نظرها را از گناهکاران واقعی که قشرها و مسلمان نماهای نفوذی هستند بسوی حزب توده ایران معطوف کرد ؟ خوشبختانه چند سطر پایین تر همین نویسنده ناگهان با توسل به "عنه من غریبیم" دست پدایان کمیته های پیگیری فرمان امام شده و خود را لوداده است . او مینویسد : این جزوهها به این علت مورد استفاده قرار میگرفته که جزوه های بهتری برای آزمون ایدئولوژی (بخوان تفتیش عقاید) وجود نداشته است . یعنی او با تفتیش عقاید که هنوز هم

از آن دفاع میکند البته مخالف نیست و فقط میخواهد آنها را " موازین اسلامی " منطبقتر کند یعنی پیشی آراستمر و پیراستمر برای آن بیاید . امام در فرمان خود صریحا گفته است جزوه های تازه باید بمنظور آموزش تهیه شود و نه تفتیش عقاید ، اما نویسنده مقاله میگوید : " این سخت گیریها در گذشته برای جلوگیری از ورود عناصر ملحد و فاسق در نهادها لازم بوده است (خودش بالاتر گفته بود که تنها مانع ورود حزب اللهی ها شده است) و اکنون هم اینها خیال نکنند که فرمان امام شامل حالشان میشود . همینقدر که " رأفت اسلامی " نویسنده مقاله هنوز به ایرانیهای دگراندیش حق نفس کشیدن در ایران را میدهد باید شکرگزار باشند و چیک نزنند . کوشش برای تحصیل و گرفتن شغل و خدمت به میهن آبا و اجدادی دیگر زیادی است . هر ایرانی که مثل نویسنده مقاله فکر نکند محکوم به بیگاری و مرگ از گرسنگی است .

نویسنده مقاله با وجود کثافت کاریهای خود و همکارانش توقع جای شیرین هم دارد ! او خواهان تشویق عناصر ناصالحی است که جزوهها را نوشته اند و تفتیش عقاید را بسراه انداخته اند و ایرانیان دگراندیش میهن پر و هوادار راستین انقلاب و عدالت اجتماعی را از ادارات و سپاه و ارتش و موسسات آموزشی عالی و حتی کارخانهها بیرون ریخته اند .

با اینهمه نویسنده مقاله جمهوری اسلامی نتوانسته وحشت خود را پنهان کند و فحاشی او به حزب توده ایران برای مرعوب کردن مسلمانان صالح و انقلابی و بعقب انداختن روز حساب است . نویسنده خود اقرار کرده که بسیار کسانی خواهند کوشید فرمان امام را بسود خود تعبیر کنند و از آن نتایج معکوس بگیرند . ولی ما امید داریم که این توپیری از آن تصویرها نباشد . این رفتار و کردار زشت قشرها و مسلمان نماها که باعث ناراضیتر شدن توده های زحمتکش مردم شده نمیتواند و نباید رهبری جمهوری اسلامی ایران را به اندیشیدن روی پیامدهای خطرناک آن وارد نکند . باید گفت نه تنها هیئت های گزینش و هیئت های هفت نفری بلکه هیئت های تحریریه روزنامه هم نیاز به پاکسازی جدی دارند . زیرا در همه آنها دوستان نادان و دشمنان دانا لانه کرده اند و تیشه بر ریشه انقلاب میزنند .

زمانی میگفتند : چوب را که برداری گریه دزده حساب خودش را میکند . ظاهرا آنوقت ها گریه های دزد اندکی خجالت هم سرشان میشده است . اکنون مناسبتر است گفته شود : چوب را که برداری ، گریه دزده برافرازم کم کردن ، فریاد میزند آی دزد !

چرا «تجارت خارجی» دولتی می شود؟

بقیه از صفحه ۹

از آنجا که محقق ضوابط مذکور در اصل چهارم سوم بدون نسخ نظام مازونی گذشته و تأسیس نظریه جدید براساس احکام محض اسلام ممکن نبود اصل چهارم چهارم قانون اساسی به بیان نظامی که در آن ضوابط مذکور در اصل چهارم سوم چانه عمل به خود میتواند برسد برداشته است متن این اصل بقرار ذیل است :

و نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی ، تعاونی و خصوصی با برنامیزی منظوم صحیح ستوار است .

بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ ، صنایع منیر ، بازرگانی خارجی ، معدن بزرگ ، بندرهای بزرگ ، سیم ، نیرو ، سد ها ، شبکه های بزرگ آبرسانی ، راه و تلویزیون ، پست تلگراف ، تلخ ، هواپیمایی ، کشتیرانی ، راه و راه آهن و مانند آنها است که بصورت ملیت عمومی در اختیار دولت است .

بخش تعاونی شامل شرکتهای و موسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل میشود .

بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی ، دامداری ، صنعت ، تجارت و خدمات میشود که بکلی فعالیتهای اقتصادی دولتی و تعاونی است .

عالمیت در این سه بخش تاجانی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد ، مایه زبان جامه میشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است .

نصیب ضوابط و مقررات شرایط هر سه بخش را قانون تعیین میکند . از تامل در این اصل معلوم میگردد از نظر خبرگان امت نظام اقتصادی جمهوری اسلامی که در آن نه دولت بصورت کارفرمای بزرگ درآید و نه ثروت در دست گروههای خاص متمرکز گردد همانست که موازین آن در اصل چهارم و چهارم بیان گردیده است . بدین بیان کبرای تحقق این ضوابط از جمله دو ضوابط پانزدهم بند نظامی تأسیس گردد که از طرفی کلیه صنایع بزرگ صنایع منیر ، معدن بزرگ ، سد ها و شبکه های بزرگ آبرسانی ، بازرگانی خارجی ، دولت بزرگ و راه آهن و بازرگانی خارجی به تصدی دولت صورت گیرد و سپس به ترتیب مقرر در قانون دیگر فعالیتهای اقتصادی به بخشهای تعاونی و خصوصی واگذار گردد . نکته دیگری که ذکر آن ضروری بنظر میرسد اینکه اگر رای خبرگان امت در امر تجارت خارجی آن بود که تنها اقدام بزرگ در تصدی دولت قرار گیرد چنانکه در مورد صنایع و معدن مقرر شده است به این امر تصریح میگردد . قرینه این مدعا آن است که در همین اصل متن صنایع و معدن دولتی را مقید به قید بزرگ نموده است حال آنکه تجارت خارجی و بندرهای دریایی و رادیو تلویزیون به نحو مطلق و عادی از قید بزرگ و منته یاد شده است .

قرینه دیگر اینکه با رجوع به صورت مذاکرات مجلس خبرگان معلوم میگردد که یکی از خبرگان محترم میفرماید بجای تجارت خارجی ، تجارت خارجی بزرگ تصویب گردد لیکن از طرف اکثریت خبرگان مورد تشدید قرار نگیرد و مردود میگردد .

حاصل آنکه قانون اساسی میان دو مصلحت جمع و تفویض یکی اینکه ثروت در دست اشخاص و گروههای خاص متمرکز نگردد و دیگر آنکه دولت بصورت کارفرمای بزرگ و مطلق در نیاید و وجه جمع بین این دو مصلحت آن است که دولت در بخش تولید صنایع و معدن بزرگ و ماهر را در اختیار گیرد لیکن در اموری چون بانکداری و بیمه و تجارت خارجی کامیونی غیر دولتی و واسطه ای است آنها را به نحو مطلق تصدی نماید .

درخاسته توفیق بیشتر شورای محترم نگهبان مجلس شورای اسلامی را از خداوند متعال خواستار است .

مظفر جراحی - سید عباس معارف

کمک مالی به حزب توده ایران ، تک و طبقه انقلابی است !

مجید ۵۹۳ مارک

تجهیز همه جانبه امپریالیسم برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران

بقیه از صفحه ۱

دست نشانده و سرکوب جنبش های آزاد یخواهانه در منطقه است.

در رابطه با عملیات نیروهای مداخله سریع، نقش بعضی از کشورهای منطقه که تأسیسات نظامی خود را بعنوان پایگاه در اختیار آمریکا گذاشته اند و یا با تقویت نیروهای نظامی خود به "دست دراز" شده آمریکا تبدیل شده اند، کاملاً برجسته میشود. لازم به یاد آوری است که آمریکا طبق توافقنامه های با

در رابطه با استراتژی کلی آمریکا در منطقه بود است. آمریکا بار دیگر اعلام کرد که به قول خود برای دادن "کدک ۲/۲ میلیارد دلاری به پاکستان و قادار خواهد ماند" نیمی از این مبلغ قرار است برای اهداف نظامی صرف شود. پیچیده ترین تجهیزات نظامی در اختیار پاکستان قرار خواهد گرفت. مسئله دیگری که در این مذاکرات مورد توافق قرار گرفته اینست که در صورت استفاده



از نیروهای مداخله سریع در درگیری احتمالی پاکستان بعنوان پایگاه مورد استفاده این نیروها قرار گیرد. موضع دولت جمهوری اسلامی ایران در مقابل این واقعبینانه از اهمیت بسیاری برخوردار است. چه این نیروها در پی انقلاب در میهن عزیز ما صورت پذیرفت و دخالت در اوضاع داخلی ایران بعنوان یکی از نقاط گرهی استراتژیک منطقه از اهداف

دولت ترکیه و به خرج آن کشور چند پایگاه نظامی ناتو در این کشور را برای استفاده نیروهای مداخله سریع در نبرزه خواهد کرد، شماع عملیات این پایگاه نظامی تا مناطق نفتی ایران در آبادان نیز عمان بحر و سومالی نیز چنین تأسیساتی در اختیار آمریکا قرار داد ماند.

سفر الهیضیا الحق به آمریکا و مذاکرات وی در باره ادامه همکاریهای این کشور با آمریکا نیز

درجه اول این نیروهاست. دولت جمهوری اسلامی ایران بارها علیه این گونه برنامه ها و فعالیت های امپریالیسم آمریکا در منطقه اعتراض کرده است. اما خبری که متأسفانه باید به آن اذعان داشتیم صنم پیگیری سیاست فعال در این زمینه است. اعتراض تنها قدم اول در این جهت است. چه کشور انقلابی که مستقیماً با این برنامه ها مورد تهدید امپریالیسم واقع میشود و نمیتواند به این قدم اول هر قدر هم برطنین باشد، اکتفا کند. سیاست خارجی جمهوری اسلامی باید در منطقه هم افشاگر و بسیجنده و هم متحد کننده باشد، باید پرده از چهره ضیا الحق ها و اهرن های آمریکایی در بید. باید این واقعبین را پذیرفت که کشوری که دست نشانده آمریکا باشد و نقش فعالی نیز در این وابستگی داشته باشد، نمیتواند دوست ما باشد. با این مطلب باید در چگونگی مناسبات ما - که ما مخالف وجود آن هستیم - تأثیر داشته باشد، در عوض باید دنبال دوستان خود که در منطقه نیز کم نیستند برویم. بارها صحبت از جبهه کشورهای ضد امپریالیستی - اسلامی شد، اما عملاً تنها قدمی در تشکیل آن برداشته نشد، بلکه حتی مخالفی، نه چندان ضعیف، سعی کردند همین مناسبات عادی با این کشورها ی دوست و انقلابی منطقه را زیر علامت سؤال بگذارند. متأسفانه این مطلب در عرصه های دیگر نیز تأثیر خود را داشته است. مناسبات سیاسی با کشورهایی نظیر پاکستان و ترکیه در عرصه های اقتصادی و غیره نیز گسترش یافته و حجم معاملات و قرار دادها با این کشورها ارقام غیر قابل تصوری، برای توان اقتصادی این کشورها، را تشکیل میدهد. این مناسبات تا کی میخواهد ادامه پیدا کند. آیا جمهوری اسلامی ایران خواهد توانست سمت گیری روشنی در سیاست خارجی داشته باشد یا خیر. ماهیت ضد امپریالیستی این جمهوری و انقلاب آن حکم میکند که باید در سیاست خارجی نیز همچون تمام عرصه های دیگر زندگی اجتماعی، واقع بین بود و فعلاً عمل کرد. خنجر دیگر پشت گوش ماست، مسئله تهدیدات آمریکا دیگر حرف و برنامه نیست. بیش از دو سال است که، آنرا با گوشت و پوست خود احساس میکنیم و چه قیمت گرانی نیز در این راه پرداختیم.

باید از تمام وسائل چه در داخل و چه در خارج مجامع بین المللی استفاده کنیم تا نقشه های امپریالیسم را که متوجه انقلاب کشور خودمان و علیه تمام منطقه است نقش بر آب سازیم.

باید انقلاب را در داخل آنچنان، بنا انجام اصلاحات بنیادی به سود زحمتکشان تأمین آزادی های اجتماعی مستحکم سازیم که به درزی تسخیرناپذیر علیه توطئه های گوناگون آمریکا تبدیل شود. باید در مجامع بین المللی، در سازمان ملل متحد در جنبش های غیر متحد، عملیات آمریکا را فاش ساخت، باید در جهت متحد شدن تمام کشورهای ضد امپریالیستی منطقه فعالانه کار کرد. باید در نبرد جهانی بین نیروهای امپریالیستی و ضد امپریالیستی جای واقعی خود را بیابیم.

زبان به ما حکم میکند که واقع بین باشیم، روشن تر فکر کنیم و سرعتر عمل کنیم. تاریخ تحلیل و مسامحه را به ما نخواهد بخشید.

“خود و فرزندانمان بلا تکلیف مانده ایم“

است و نه بمب گذاری و توطئه. علت اخراج این گروه از دانش آموزان جدی گرفتن اصل ۲۴ قانون اساسی و بیان آزاد نظر و عقیده خود آنهم در مسائل مهم جامعه انقلابی ما است.

این دردناک است، که تهاجم راستگرایان به قانون اساسی و موفقیت های که آنها از جمله در وزارت آموزش و پرورش برای ناراضی تراسی بدست آورده اند، تا این حد وسیع و بی محابا است.

اصل سی ام قانون اساسی چ ۱۰۱۰ میگوید: "دولت موظف است وسائل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسائل تحصیلات عالی را تا حد خود کفایت کشور بطور رایگان گسترش دهد."

این ناراضی تراسی دقیقاً در همان خط ناراضی تراسی در بین کارگران، در همان خط ناراضی تراسی تروریست های اقتصادی، سیاسی و ... است.

هشدار که دشمن آگاه به یاری دوستان نادان بر برای انقلاب خواب هولناکی دیده است! دستش را کوتاه سازیم!

این عنوان نامه ای است که در روزنامه اطلاعات ۱۱ آبان چاپ شده است و قرائت آن با اشک چشم و درد قلب برای هر انسان شرافتمند و علاقمند به انقلاب همراه است.

در این نامه تعدادی از اولیا دانش آموزان دبیرستانهای تبریز داد خواهی می طلبند، زیرا به "دلایل تعجب آور" از ثبت نام فرزندان آنها خودداری شده است. آنها پس از اشاره به تاشرفان "از غفلت مسئولان از ارزش های انقلاب اسلامی و توصیه های موکد امام خمینی" در رسمتی از نامه خود این "طل تعجب آور" را بر می شمرد و می نویسد:

"ضمناً از جمله علل خودداری مسئولان از ثبت نام دانش آموزان، به عنوان مثال دفاع یکسوی از دانش آموزان از اجرائی "بند ج" و ملی شدن بازرگانی خارجی در ضمن انشاء (بوده است)، یا تقدیم گل به معلمین در روز معلم ..."

همانطور که توجه می شود علت ثبت نام نکردن اینگونه دانش آموزان و دانشجویان نه وابسته بودن آنها به گروهک های آمریکا ساخته است و نه ضدیت طبیعی جمهوری اسلامی ایران. نه مخالفت با قانون اساسی

خلق ضامن تحقق فرمان امام است

بقیه از صفحه ۱

کار درست خواهد شد. این خطر، خطر مسخ فرمان امام است!

خطر مسخ این فرمان به آن محتمل است که به جای عمل قاطع و سریع بجای عمل روشن و هدفمند، زهد گفته و نوشته شود. بدون آن که نتایج عملی بیار آید.

خطر مسخ این فرمان به آن محتمل است که بسنه بجای کوتاه شدن دستک ما ملین نظامی و قانون - شکنی، "جوسازی" (امام خمینی) این عناصر بر مسئولین مسلط شود و روابط و توصیه ها مانع عمل قاطع گردد. و یا همان طوری که آیت الله جنتی در نماز جمعه ۹ دیماه ۶۱ در قم اظهار کرد، بسنه "خلاف های کوچک برداختن" و "دانه های درشت" را رها کردن، "دانه های درشتی" که به گفته وی "احیانا متخلف از یک جاهائی هم حمایت می شود (و) اطمینان دارد که کیسستی نمی تواند با او طرف شود...!"

آیا این خطر و دلپیره امام خمینی درباره این که آیا نیروان راستین خط امام می توانند "کار راه راست" کنند، غیرواقعیانه است؟

اشاره امام خمینی به این نکته که "اگر کار را درست کنید، عالم خوب است" برای نیروان صادق وی و همه مدافعان راستین انقلاب و خط ضد - امپریالیستی و خلقی امام فریضه جستجوی واقع بینانه و بیگیری راه درست کردن کار را تعیین می کند. به نظر ما این خواست رهبر انقلاب، که با منافع انقلاب ما در انطباق کامل است، باید برای تمام آنها که صادقانه به اهداف خلقی و ضد امپریالیستی نظرات امام معتقدند و از آن پشتیبانی می کنند یک وظیفه میهنی و انقلابی باشد. این خواست امام خمینی خط فاصل بیسن انقلاب و ضد انقلاب، بین انقلابیون واقعی و دشمنان ناشناخته انقلاب، از جمله "ضد انقلابیون" نوع جدید آن و خط فاصل بین چپبسه منحدر خلق و چپبسه منحدر ضد خلق است.

واقعیت آن است که نبرد طبقاتی در میهن ما تا به آن درجه رشد کرده است، که حامیان سرمایه داری و کلان زمینداری و راستگرایان و عمال نهان و عیان آنها برای جلوگیری از تحکیم انقلاب و بازمن ستاندن پیروزی ها و ثمرات آن، بسیاری جلوگیری از تصویب لسویح بنیادی و بسیاری مسخ آنها از هیچ دسیسه های روی گردان نیستند. همان طور که در جلسه مجلس در موقع تصویب بند ۱ لایحه احیا و واگذاری اراضی مزروعی دیده شد، آنها حتی از تقلب کردن و نقض قانونیت و امانت برای گیری در مجلس شورای اسلامی نیزسز ابائی ندارند. عناصری از آنها بدون شمره باز "لباس شرمی" و ریش و تسبیح خود چند بار بسه صندوق رای گیری برقه رای انداختند.

واقعیت آن است که این عناصر قدرت قابل ملاحظه ای را هم در مجلس تشکیل میدهند (در مجلس از ۱۸۲ نماینده ۸۶ رای برای حذف بند لایحه فوق الذکر، که "چشم اسفندیار" لایحه و مربوط به تقسیم زمینهای دایر بزرگ مالکان است، داده شد). در ارگانها و نهاد های دیگر هم وضع

به همین حال است. این نیروها و عناصر راستگرا هم در صحنه قانون گذاری و تهیه پیش نویس های ضد خلقی و به نفع سرمایه داران فعالند (مانند پیش نویس قانون کار و نحوه فعالیت بخش خصوصی) و هم در مسخ لوایح انقلابی تصویب شده، همانند قانون بازرگانی خارجی. آنها دروغ می گویند و آن چه خود در خلوت می کنند "را به دیگران نسبت می دهند". همانند کوشش نویسندگان روزنامه جمهوری اسلامی، که تهیه "کتاب ضاله" (امام خمینی) تفتیش عقاید را بسه حزب توده ایران نسبت داده است و یک بار دیگر شیوه ای را به کار گرفته است، که شیوه روزنامه هائی از نوع "تهران صبح" بوده است. آنها برای دست یافتن به منافع ناشروع و قانون شکنانه خود فقط به تقلب و خیانت در موقع رای گیری بسنده نمی کنند. آنها، همان طور که امام خمینی فرمودند، "جوسازی" می کنند، آنها "توصیه" میاورند و تلفن ها را به کار می اندازند. آنها، که به گفته امام خمینی باید "زیر سوال" قرارشان داد "بدون جهت (از مقام خود) استعفا" می کنند و از این طریق هم مخالفت خود را با پیام امام اعلام می دارند و هم نشان می دهند که رنگی در کفش دارند. تردید نباید داشت، که آنها، آن وقت که همه این راه ها را بر روی خود مسدود ببینند، برای دست یابی به منافع آزمندانه خود "شمشیر زهر آلود" را هم علیه حق به کار خواهند گرفت.

جسارت راستگرایان، طرفداران سرمایه داری و کلان زمینداری، که با پشتوانه "یک جاهائی" و به کمک نیروهای متقلب و دورویی که با چند بسار رای دادن ساحت مجلس شورای اسلامی را هم آلوده می سازند، می خواهند و کوشش می کنند. فرمان اسام را مسخ کنند. باید هنوز انتظار تشبث ها و ترفند های دیگری را نیز از سوی این "ضد انقلابیون نوع جدید" داشت، از جمله آن که "شمشیر زهر آلود" را هم از نیام بکشند و علنا رود روی انقلاب بایستند.

امام راه پیروزی را نشان داده اند

اما اگر امام خمینی دلپیره و نگرانی خود را در مورد این خطر یا آیت الله موسوی اردبیلی در میان گذاشته اند، راه برون رفت از تنگنا را نیز نشان داده اند، راه تحقق عملی فرمان و بیانیه خود را روشن کرده اند. ایشان راه بند زدن به دست و پای قانون شکنان و متخلفین را برشمرده اند و گفته اند:

"من به ملت اعلام می کنم که هر کس که این کار را کرد یا او معامله فسق بکند... این راه یعنی راه مراجعه به مردم و افشای این عناصر در مقابل خلق، تنها راهی است، که تناسب نیرو را به نفع مواضع اصولی و انقلابی آن چنان تقویت می کند و تغییر می دهد، که هیچ نیروی ضد - انقلابی افشا شده و یا "ضد انقلابی از نوع جدید" آن هم تاب مقابله با آن را نداشته باشد"

خلق ایثارگر نیز، همان طور که در مصاحبه های خیابانی و در جلسات کارگری نیز بیان داشت، پشتیبانی قاطع خود را از خط خلقی و ضد - امپریالیستی و فرمان اخیر امام اعلام کرده است و آمادگی خود را برای انجام وظایفی که تعیین شود، بیان داشته است.

متأسفانه باید اما با ناخشنودی ملاحظه کرد، که برخلاف نظر اعلام شده امام خمینی، در مراجعه به مردم و افشای قانون شکنان قاطعیت لازم در همه موارد نشان داده نمی شود.

مثلا به جای اعلام نام قانون شکنی که دست بسنه "توصیف غیر قانونی بی از نارندار (وزارت دار) به مدت نهمروز" زده است، فقط از این صاحب می شید که "معاون اداری و مالی وزارت دار... به موجب بند چهار" فرمان امام خمینی "ار سمب معاینت عزل شد و پرونده حسب معنی به دادگاه دیگری ارسال گردید." (امپهان ۷ دی ۶۱).

اما شناختن این قانون شکنان که معاون وزیر دار جمهوری اسلامی ایران بوده است و آن قانون شکن دیگر، که او هم معاون وزیر دار... است و دارگران را تهدید می کند که یا تسلیم دارفرمایان شوند و تن به پیش نویس قانون کار سرمایه داران بدهند و یا به "اصس" بپردازند، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

خوشبختانه در موارد دیگر این متخلفین با نام و نشان اعلام می شوند و باید انتظار داشت، که این روند، روند طبیعی کار هیئت های پیگیری فرمان مهم امام خمینی باشد، زیرا بدیهی است که این تنها راه جلوگیری از "جابجا" شدن این عناصر و ادامه قانون شکنی آنها در مقامات دیگر خواهد شد. تجربه تلخ "جابجا" شدن ساواکی ها و از جمله کشمیری خائن، که در اثر عدم اعلام بدون کم و کاست و به موقع اساسی ساواکی ها بسه دست آمد، درس تاریخی سنگینی در این مورد است و نباید تکرار شود!

سخن کوتاه!

برای آن که پیروان راستین و صادق خط امام قادر شیند با تحقق قاطع و بیگیرانه فرمان مهم و تاریخی امام خمینی، میزبان را، که عمل است، بدون هرنوع تردید و ناروشنی حفاظت کنند و تحقق بخشند و "نگرانی" امام و خلق ایثارگر را بر طرف سازند، باید:

اول - با مراجعه وسیع به خلق، با افشای بدون کم و کاست و با نام و نشان قانون شکنان و متخلفین در هر مقام و موضعی که هستند سنگ روی سنگ بنای ضد انقلابی قانون شکنی باقی نگذاشت.

نباید فراموش کرد، که این قانون شکنان، که "ضد انقلابیون نوع جدید" اند، اکنون همانند مار زخم خورده اند، که برای نجات خود آساده هرنوع قانون شکنی و حق کشی و جوسازی و... دیگر نیز هستند.

فقط از این طریق می توان توازن قوا را به روشنی به نفع نیروهای صادق انقلابی، به نفع خلق، بسه نفع تعمیق دستاوردهای خلقی و ضد امپریالیستی انقلاب در این مرحله نبرد که بر که تأمین کرد. دوم - باید بدون وحشت از "جوسازی"، از شناختن ضد انقلابی و قانون شکنانه، حقوق و

دخالت در امور داخلی افغانستان باید قطع شود

(اعلامیه خبرگزاری قاس)

بگذار مستقیماً بگوئیم: این امیدها واهی است. اتحاد شوروی وظیفه انترناسیونالیستی خود را برای دفاع از افغانستان در برابر مداخله نظامی از خارج تا به آخر انجام خواهد داد. اتحاد شوروی قصد ندارد سربازان خود را برای همیشه در افغانستان باقی بگذارد و اینرا صریحاً گفته است. بخشهای محدود سربازان شوروی از افغانستان بیرون برده خواهند شد. اما بدین منظور باید مداخله مسلحانه خارجی قطع گردد و تضمین های محکم بین المللی داده شود. که این دخالت در امور داخلی افغانستان در آینده نیز تکرار نخواهد شد. راه برای حل سیاسی مسئله باز است. اصول آن را دولت افغانستان در پیشنهادها و خود مشخص کرده است. اما برای حقوق آنها باید مداخلات با دولت افغانستان را بصورت جدی انجام داد.

حاکمیت صورت میگیرد. موافق تمام قواعد بین المللی این اعمال بصورت تجاوز ارزیابی میشود. واقعیت چنین است و آنرا با هیچ دروغ پردازی نمیتوان پنهان کرد. گاهی در ایالات متحده آمریکا و محافظان ناتو تلاش میکنند مسئله افغانستان را با توسع روابط خود با اتحاد شوروی مریض کنند. بعضیها آنرا حتی برای تخریب تنش زدایی و توجیه برنامه های نظامی گرانه خود بکار میگیرند کوشش برای وابسته کردن مناسبات میان اتحاد شوروی و آمریکا، میان شرق و غرب به سود اتحاد های افغانستان نمی تواند موجب شکستی نشود. روی چه کسانی میخواهند با این کوششها تاثیر بگذارند؟ مگر کسی میتواند چنین بیاندیشد که تحت تاثیر آنها دولت اتحاد شوروی موضع خود را نسبت به افغانستان دموکراتیک و دولت آن تغییر خواهد داد؟

احیرا برخی رجال سیاسی ارگانه های مطبوعاتی بیخیزه در کشورهاییکه جنگ اعلام نشده - ای را علیه افغانستان دموکراتیک آغاز کرده اند، انواع شایعات دروغ را پیرامون سیاست اتحاد شوروی نسبت به افغانستان پراکنده می کنند همراه با آن، برخی محافظ رسمی در ایالات متحده آمریکا، و نه فقط در آنجا بخود اجازه حملات خشن را نسبت به اتحاد شوروی و کشور مستقل جمهوری دموکراتیک افغانستان میدهند آنان از روی سوء نیت، روند عینی رویدادها در افغانستان را وارونه منعکس میکنند و ماهیت کمک انترناسیونالیستی اتحاد شوروی را به کشور دوست همسایه دگرگونه جلوه میدهند. این واقعیت عدا فراموش میشود که انقلاب ملی و دموکراتیک ماه شور در افغانستان نتیجه قانونمند تمام اجتماعی در کشور بود.



انقلاب افغانستان در مرحله اول با تکیه به نیروهای خود با دشمنان انقلاب مقابله میکرد اما هنگامیکه امپریالیسم و ارتجاع در مقیاس وسیع دخالت خود را در امور داخلی افغانستان آغاز کردند، وقتیکه دسته های مسلح راهزن به خاک این کشور فرستاده شدند و دستاوردهای انقلاب در معرض خطر مستقیم قرار گرفت، دولت افغانستان برای کمک و از جمله کمک نظامی به اتحاد شوروی مراجعه کرد. در انطباق با قرارداد دوستی، حسن همجواری، همکاری میان دو کشور و هم چنین بحاطر تضمین امنیت مرزهای جنوبی خود رهبرین اتحاد شوروی به این تقاضا پاسخ مثبت داد. دولت شوروی بارها اعلام کرده است که بحضرات محترم و ارتش شوروی بطور موقت در جمهوری دموکراتیک افغانستان است و بمحض اینکه دخالت خارجی قطع گردد فزاینده خواهد شد. اما در محافل حاکمه کشورهای غربی و برخی کشورهای دیگر عدا ظاهر می شود که همه اس مسائل استثنائی ندارد.

لازم است همه کسانی که برای حقوق حاکمیت افغانستان و سرور رفتن هرچه زودتر سربازان شوروی از آنجا بیرون بجا میکنند خود تدابیری برای قطع مداخله از خارج اتخاذ نمایند. ولی در عمل عساکر انجام میگیرد. برخی دولتها حیا رفتار میکنند که گوئی مایلند سربازان شوروی هر قدر که مش استخوانی تر در افغانستان بمانند.

نه اتحاد شوروی بلکه دولتهای امپریالیستی و بیش از همه ایالات متحده آمریکا و برخی دولتهای شریک در تجاوز به افغانستان مسئولیت مستقیم وضع ناآرامی در این منطقه را بعهده دارند. آنها هستند که دسته های راهزنان را سازمان میدهند، آنها را می آموزند و مسلح می کنند و جنگ افزارهای مستعد در اختیارشان میگذارند. آنها هستند که خرابکاران و گروههای تروریست را بسرمین افغانستان میگردانند و همه این کارها علیه یک دولت دارای حقوق

خلق ضامن تحقق فرمان امام است

بقیه از صفحه ۶

آزادی های دموکراتیک را تأمین کرد. محسک اکنون آزادی فعالیت سیاسی احزاب و گروههای دگر اندیش مدافع انقلاب و غیر محارب به ویژه حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) است، محسک اکنون اعلام علنی اجازه انتشار روزنامه های مدافع انقلاب، به ویژه "نامه مردم" و روزنامه های مشابه است، محسک اکنون آزادی فدائیان را میسر کرده است، که فقط به جرم دگر اندیشی و نه خیانت

در "فراموشخانه" ها ماههای طولانی و بدون هرگونه رابطه با خارج از زندان گم تنده اند و حتی یک بار هم با خانواده خود ملاقاتی نداشته اند. آیا بیروان صادق امام خمینی "کار را درست" خواهند کرد تا "نگرانی" امام را بر طرف سازند و "حال" ایشان را "خوب" و خلق ایثارگر را ساد سازند؟ به کمک خلق و مسدود افغان انقلاب راه رسیدن بیه این مقصود بسیار است!

آقای وزیر کار دست خود را باز می کند

نکته‌ای که توجه ندارد، وضع کارگران است ۱۰ و صاف و ساده از دید و موضع منافع یک سرمایه دار - سرمایه دار زاده - فکر می‌کند و افکار خود را در قالب کلمات می‌ریزد.

بدیهی است که قانون کار طافوت برای شرکت‌های مختلط ساختمانی و لاکه‌ها با حامیان امپریالیستی شان، برای مراکز کشت و صنعت و لاکه‌ها و زمینداران بزرگ، از جمله در همسایگی شهر زادگاه آقای توکی، همسایگی "اسکالی" ایجاد نمی‌کرد! و لاکه‌ها و بزرگ زمینداران و شرکای امپریالیستی آنها درست به همین علت هم این قانون کار طافوتی را تدوین کرده بودند و آنطور که خود آقای توکی هم اعتراف می‌کند "برایش سیستم درست" کرده بودند.

حالا دیگر شما حتماً علاقه‌مندید بدانید که بالاخره این نوک کوه بیخ، که پسرده از روی اسرار و افکار آقای توکی برمی‌آید، چیست؟ توجه کنید! ادامه پاسخ او، کسه دنباله همین فکر تا کنون است، "سیستم" فکر او را افشا می‌کند و ناگفته‌ها را بیرون می‌ریزد. برای حاضران هنر بودن تکرار می‌کنیم، که آقای وزیر در پاسخ به سوال کارگری که پرسیده بود،

چه کسی مجری قانون خواهد بود، پاسخ داد بود که: "قانون خوب باید مجری خوب داشته باشد." و برای تأیید گفته خود اضافه کرده بود که "چگونه است که این قانون بخش‌های آزاد (!) کشور اجرا می‌شود و اشکالی ایجاد نکرده است؟" وی برای شیر فهم کردن کارگران با زبان "شیرین" از "بخش‌های آزادی" مثال زده بود که در آن‌ها با اجرای قانون کار طافوت "اشکالی" ایجاد نشده است و برای نمونه از "مثلاً در بخش ساختمانی و کشاورزی" صحبت کرده بود. وی اکنون به تشریح علت عدم ایجاد "اشکال" در این بخش‌ها می‌پردازد و می‌گوید: "علتش این است که شاه این قانون را از غرب گرفت و برایش سیستم درست کرد (تا "اشکال" ایجاد نکند؟!)" (وی ادامه می‌دهد) "در نتیجه فرهنگ غربی را در روابط (کارفرما و کارگر) دخالت داد." آقای وزیر که از این همه کار خوب شاهنشاه و هنرنمایی‌های او در "سیستم درست کردن" و مانع ایجاد "اشکال" شدن مشغوف شده است، بی‌اختیار گریه را از کبسه بیرون می‌اندازد و نتیجه می‌گیرد و این نتیجه‌گیری خود را که همان نوک کوه بیخ است در قالب کلمات میریزد و می‌گوید: "برای یک قانون خوب در درجه اول ما (مثل شاهنشاه خدا بی‌ماز؟) باید مجری خوبی باشیم."

آیا به دست چنین فردی با چنین "سیستم" فکری می‌توان سرنوشت کارگران را که بقول اصم خمینی رهبر انقلاب، "ستون انقلاب" است سپرد؟ آیا حق است که انقلاب عظیم ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما برای کارگران فقط یک موش بیار بود؟

کرد و یزید نیز از همین قانون (پیروی کرد) اما (از آن) به نفع خود بهره‌برداری کرد... پاسخ: "وزیر کار گفت: حق با برادر ما است، قانون خوب باید مجری خوب داشته باشد." حالا به نوک کوه بیخ توجه کنید! وی ادامه می‌دهد: "چگونه است که این قانون (کدام قانون؟ قانون کار طافوت! زیرا قانون کار "اسلامی" آقای توکی که هنوز تصویب نشده است!) در بخش‌های آزاد (!) منظور آقای وزیر از آزاد چیست؟ عجله نکنید. در زیر وی آنرا ترجمه می‌کند (!) کشور اجرا می‌شود و اشکال ایجاد نکرده است؟ برای زارفرما که بند ۲۳ را در اختیار دارد و یا کارگری که شمیر داملکنس بند ۲۳ قانون کار طافوت بالای سرش آویزان است؟ اکنون آقای وزیر در ادامه سخنان خود منظورش را از "بخش‌های آزاد" توضیح می‌دهد: "مثلاً در بخش ساختمانی و کشاورزی" جل‌الخالق! برای کارگرهای ساختمانی، کسه صبحها سر چهارراه‌ها در انتظار و امید آن هستند که کارفرمایی بیاید و از خیل آنها یکی

سیستم فکری آقای توکی، سیستم سرمایه‌داران! در جلسه "نمایندگان شوراها و انجمنهای اسلامی با احمد توکی" (کیهان ۱۸ آبان ۶۱) کارگران از وزیر کار سوالاتی کردند و پاسخ‌های شنیدند. کار به آنجا کشید، که یک کارگر اصفهانی به آقای وزیر گفت: "ما از پس‌زبان شیرین شما برنمائیم... و در ادامه سخنان آن کارگر اظهار داشت: "میدانید که در طول سالها کارفرمایان ظالم بر کارگران ظلم و ستم روا داشتند. پس از انقلاب همه کارگران حزب الهی چشم امید و انتظار به قانون کار دارند. امیدواریم این دو میلیون کارگر ایرانی با تصویب این قانون اسلامی خوشحال شوند. اما نباید روزی که زلزله در این کارگران حزب الهی بیافتد." راستش آن است، که "از پس" این زمین برآمدن دقت بیشتری هم لازم دارد. البته نه به این علت که "شیرین" است، بلکه بیشتر به علت آن که سوال برانگیز است! - و این سوالاتی که در موقع خواندن پاسخ‌های آقای وزیر کار ج ۱۰ به پرسش‌های ساده کارگران مطرح



دوتا را "اجیر" کند و برای چند ساعتی و بنا چند روزی - واقعا برای چه مدتی؟ - به کار وا دارد هیچ "اشکالی" ایجاد نشده است! برای کارگر ساختمانی و یا کشاورزی که هر روز صبح سر از بالین با وحشت بی‌کاری بر می‌دارد و در تمام مدتی هم که کار دارد "بختک بی‌کاری را بردوش خود احساس می‌کند هیچ "اشکالی" ایجاد نشده است؟! آقای توکی! ما بجای شما از شرم سرخ شدیم. اگر تصور می‌کنید که، با نکات بالا با نوک کوه بیخ آشنا شده‌اید. اشتباه می‌کنید! تا اینجا انسان فقط درک می‌کند و آشنا می‌شود با این واقعیت که، آقای توکی در موقع صحبت و بطریق اولی در موقع فکر کردن قبل از حرف زدن به تنه‌ها

می‌شوند، سوالات عمدتاً می‌هستند، که نگرانی آورند. نگرانی آور از این جهت، که برای خواننده این سوال مطرح می‌شود، که آقای وزیر با چه "فکری" و "درکی" و "توقول خودشان" سیستم "فکری" ای چنین پاسخی را داده است؟ در مغز او چه می‌گذشته است، که ترازوی کوچک از آن پرده از روی خسرت به گذشته کنار می‌زند؟ چه وحشتناک است کوه بیخی که نوک آن را آقای توکی بصورت کلمات بر زبان آورده است؟ لطفاً به سوال و جواب توجه کنید! سوال: "کارگر دیگر به این مساله اشاره کرده، که چه کسی می‌خواهد این قوانین الهی و اسلامی را به اجرا در آورد. امام حسین (ع) نیز از همین قانون پیروی کرد و دیدیم که چه

چرا «تجارت خارجی» دولتی می شود؟

بقیه از شماره پیش

دولتی کردن بازرگانی خارجی در کشورهای درحال رشد سبب میگردد مردم مستضعف این کشورها که بناچار مصرفکننده محصولات صنعتی و کشاورزی کشورهای پیشرفته اند امکانات مالی خود را برای مقابله با جاجانوران بسج نمایند .

۲- حذف نامالومات رقابت در بازارهای بین المللی .
از اولیات علم اقتصاد است که افزایش تقاضا باعث افزایش قیمت و افزایش عرضه باعث کاهش قیمت میگردد . اگر بازرگانی خارجی دولتی نشود سبب آن میگردد که متقاضیان بیشتری برای خرید کالا و وارد کردن آن به تولید کنندگان خارجی رجوع نمایند که این امر باعث افزایش تقاضا میگردد و قیمت کالا را به زیان خریدار و به نفع صادرکننده افزایش میدهد .

پیدا نمائید . اگر قسمتی از واردات به بخش خصوصی واگذار گردد برای وارد کردن کالا بجای خریدار واحد (دولت) خریداران زیادی (دولت پهلوه بازرگانان بخش خصوصی) به تولیدکنندگان خارجی رجوع میکنند که این امر باعث افزایش قیمت به نفع تولید کننده خارجی و به زیان مصرف کننده داخلی میگردد . و نیز در زمینه صادرات ، اگر قسمتی از آن به بخش خصوصی واگذار گردد ، سبب تمدد عرضه میشود که این امر باعث کاهش قیمت محصولات ایرانی ، به زیان تولیدکننده داخلی و به نفع خریدار خارجی خواهد گردید .

۳- جایگزینی صدور نفت با صادرات غیر نفتی .
چنانکه میبینیم عمده صادرات نفتی ایران از صادرات ما اختصاص به صادرات غیر نفتی دارد و این امر اقتصاد ما را به اقتصادی تک محصولی که منکبی به صدور نفت است مبدل نموده است جبران این نقص بزرگ مستلزم آن است که قسمتی از صدور نفت توسط صادرات غیر نفتی جایگزین گردد ، به همین سبب در برنامه بیست ساله آینده پیشبینی شده است که صادرات غیرنفتی ما بین ۱۶ درصد کل صادرات کشور افزایش یابد . در صورت دولتی شدن بازرگانی خارجی تحقق امر فوق ناممکن میگردد . چراکه الزام بخش خصوصی به افزودن صادرات غیرنفتی تا میزان پیشبینی شده مقدور نیست .

۴- انتقال سرمایه بازرگانی به یوید .
یکی از عمده ترین اموری که متون نگار از دولتی شدن بازرگانی خارجی منتظر داشته است انتقال سرمایه از بخش تجارت و خدمات به بخش تولید صنعتی و کشاورزی بوده است معلوم است که با واگذار نمودن هر درصدی از بازرگانی خارجی به بخش خصوصی به همان میزان از انتقال سرمایه به بخش تولید عملا مناصت نموده ایم .

۵- برنامه ریزی برای وصول به استقلال اقتصادی
پیدا است که نسخ و عدم مابیات نامیسامان فملی که زمان حکومت سوسیالیستی به کشور ما تحویل گردید و نیز استقرار و بروئی نظام مقرر در قانون اساسی نیاز به برنامه ریزی تفصیلی و مرادمند دارد . حال آنکه واگذاری قسمتی از بازرگانی خارجی به بخش خصوصی با توفیق در انجام این مهم معایرت دارد . چراکه بخش خصوصی در این نوع الزام نموده که سرمایه و خدمات خود را جهت اجرای برنامه های اقتصادی حکومت بکار اندازد و ریسک ناشی از آن را متحمل گردد . از طرف دیگر اجبر و الزام بخش خصوصی به اقدامات معین تجاری (کمینه تر طبیعت آن مستلزم قبول خطر زیان و از بین رفتن سرمایه ریسک است) معین بر اصل تسلط مردم بر اموال آنها است .

بنابوجه به آنچه که گذشت ، واگذاری قسمتی از بازرگانی خارجی به بخش خصوصی تقریباً به معنی صرف سطرکردن از برنامه ریزی دران قسمت است .
در این میان آنچه مزید برعات میگردد که بیود بودن و یا حتی بی وجود بودن کثیری از کالاهای اساسی است .

تجربه نشان داده است که گذشته از کشورهای درحال رشد سرمایه گذاری در صنایع سنگین و پروژه های عظیم صنعتی و کشاورزی و نامیسامی حتی در کثیری از کشورهای های صنعتی نیز مقرون بصرفه نیست . بخش خصوصی از آنجاکه با انگیزه سود فعالیت میکند نه تنها به سرمایه گذاری در این رشته ها ، بلکه وارد کردن ماشین آلات و قطعات و یدکی و مواد خام آنها نیز ضایل نشان میدهد ، به جای تاسیسات و مواد خام مورد استفاده از صنایع مادر به وارد کردن وسایل و مواد مورد استفاده در صنایع مونتاژ ، یک کالاهای قابل عرضه مستقیم به بازار مصرف میردازد و بنابراین جهات نامیسام و ادارات صنایع مادر و سنگین که در اکثر کشورهای توسعه یافته مستلزم ضرر است ، منحصرأ توسط دولت انجام میدهد و از همین روزهیته و خسارت ناشی از اقدامات اساسی و بیفکدی ناگزیر به

بودجه عمومی ملت مستضعف تحمیل میگردد .
از همین جا است که واگذاری قسمتی از بازرگانی خارجی به بخش خصوصی مستلزم آن است که دولت از بخش خصوصی فقط در این مورد تخفلات مینماید . حال اگر ۲۵ درصد از کل بازرگانی خارجی به بخش خصوصی واگذار گردد ، این بدان معنا است که حدود نیمی از بازرگانی خارجی در آن بخش که سودآور است در اختیار بخش خصوصی قرار گیرد . حال آنکه بخش خصوصی یقین در آن قسمت از بازرگانی خارجی کمترین سود نیست و احیاناً تواماً با ضرر نیز هست نذلی نخواهد نمود و تصدی این امر خواه نخواهد بعهده دولت قرار خواهد گرفت .
اصحودیت ارزی

با عنایت به برنامه های وسیع در جهت خروج از نظام اقتصادی تک محصولی و جایگزینی صادرات نفت بوسیله فرآورده های صنعتی و کشاورزی ناچیز تسالین متدای ارز حاصل از فروش نفت را پنهانیت دقت مصرف نمائیم و گرنه به انجام چنین امری توفیق نخواهیم یافت . مصدا محدودیت ارزی با وضع نظر از اصل ۲۴ قانون اساسی خود از مجادری است که فعالیت بخش خصوصی را بر زمین بازرگانی خارجی به موانعی مواجه میسازد چنانکه همگنون محدودیت ارزی ، از کشیدنی اعتباربری کثیری از دارنگان کارت بازرگانی مانع گشته است .

از مهم که خود نیز یادآور آن شده اند این است که مالکیت دولت بر ارز همچون دیگر اموال دولتی پنحو مطلق نیست و متوقف بر رعایت غبطو مصنعت عموم است . چنانکه میبینیم بیش از ۹۵ درصد از بازرگانی خارجی کشور با ارز حاصل از نفت یا سایر ارزهای تحصیل شده از جانب دولت صورت میپذیرد . حال پرسش بسیار اساسی این است که با عنایت به نامیسامات بیابانی کثیری بازرگانی خارجی در بخش خصوصی و مفاسد مترتب بر آن کمتصیلا بیان گردید آیا مصلحت است که ارز حاصل از فروش نفت که متعلق به قریب ۴۰ میلیون ایرانی است به عده محدودی که تعداد آنها از چند هزار نفر تجاوز نمیکند (دارنگان کارت بازرگانی) تخصیص یابد و آیا تصمیم فقهای محترم مجلس خبرگان در دولتی کردن بازرگانی خارجی مستلزم اظهار نظر اجمالی در مورد چگونگی به تصرف رساندن ارز نیست ؟

تغیر تقدیر در صورتیکه نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی که در کلیه امور جاری وکیل ملتند این مسئله را پنحو تشغلی مورد تحقیق قرار دهند و در مورد آن اتخاذ تصمیم نمایند مصوبه آنان در حکم تصویب عموم است .

تعارفی یا عدم تعارفی دولتی کردن بازرگانی خارجی یا مالکیت مشروع

اما در این خصوص که بین فرموده اند : «دین لایحه میگوید : هرکس هرچه بخواد صادر کند باید به دولت بفروشد و پیشتر را هم دولت مینماید و حق ندارد خودش صادر کند اینکتر برخلاف موازین اسلام است و مالکیت مردم که از راه مشروع بپست آمده محدود نمی شود .

نخست باید به این امر تذکر حاصل نمود که در حال حاضر صادرات بخش خصوصی تنها مرصد ناچیزی از میزان کل صادرات را در بر میگردد و از این میان نیز قسمت بسیار اندکی توسط خود تولید کنندگان صادر میگردد و فعالیت بخش خصوصی مستدا در امر واردات متمرکز است و آنچه از طریق ارز حاصل از صادرات نفت و سایر کالاهای دولتی ونه از ارز حاصل از صادرات بخش خصوصی ، چراکه بنابر اعداد و ارقام موجود بیش از ۹۵ درصد از ارز مورد نیاز از طریق با صادرات نفت و دیگر محصولات دولتی حاصل میگردد .

نکته دیگر اینکه طبق آمار قسمت اعظم تولیدکنندگان که محصولاتشان صادر میگردد قدر به صدور کالاهای تولیدی خود نیستند و این گروه از تولیدکنندگان طینا بسیار خستود خواهند بود که محصولات خود را بجهت صدور یا قیمت عادلانه به دولت جمهوری اسلامی ایران بفروشند و دولت نیز میتواند با تسهیلاتی که در اختیار این قبیل تولیدکنندگان قرار میدهد موجب تولید صادرات محصولات غیر نفتی گردد .
بندهاذا بیان این مقدمه افزوده میگردد که اموری که بدان اشاره نمودیم همه از لوازم انحصار تجارت خارجی

و بعضاً داخل در مالکیت آن است که بنابراین در صورتیکه اصل انحصار خلاف شرع نباشد (کمپراسانی قوا نقل شده از امام امت مخالف توسع لوازم آن نیز مغایر باشرع نخواهد بود و گرنه چگونه ممکنست عمل به امری شرعی و تصرف در لوازم آن غیر شرعی باشد ؟

حاصل آنکه متعابازگانان بخش خصوصی از صادرات و واردات جهت حفظ مصلحت مملو یا اجتناب از مضایر سیاسی و اقتصادی به معنی عام یا محدودترین مالکیت آنها نیست . امام امت و رهبر انقلاب در این مورد بیدکیونه فتوی داده اند :

«لوگان فی الروابط التجاریه من التول او التجاریه یعنی بازرگانان لایحیه و اسبجرالا حسین نمعه علی سرق المسلمین و حیاتهم الاقتصادية و جبرکها و حرمت التجاره المزبوره یعنی روضه الذهب معومدک ان تجریموا متهم و تجارتهم حسب اقتضای ظروف و علی الامم الاسلامیه بضمیمه کتب میبسی این کتبم الجندی مظناه» (مسئله ۱۰ ، صفحه ۴۸۷ ، ج۱ ، تحریر الوسیله) .
هرگاه در لزوم تجاری دولتی یا بازرگانان بازرخی از دول بازرگانان اجنبی بزازار مسلمین و حیاه اقتصادی آنان ضررود . ترک آن تجارت واجب و اقدام بدان حرام است و برروسی مذبح است که در صورت این خوف کالاهای آنان و تجارت با آنها را بر حسب اقتضاء اوضاع و احوال تحریم میبایست برامت اسلامی متابعت از آنان (روسی مذبح) واجب است چنانکه برعموم آنان تلاوی در قطع اینگونه تجارت نیز واجب است .
لوکن فی المارودات التجاریه و میرها بمفاهه علی حوزه الاسلام و بلاد المسلمین من استیلاء الاجانب علیا سیاسیا و غیره التوجه الاستیلاء اشتغال بلادهم و غیر معنویا بجنب علی کلیه المسلمین التجاریه و بحرم تکتلم المارودات

هرگاه در مرادوات تجاریه غیر آن بحر حوزه اسلام و کشورهای اسلامی خوف استیلا سیاسی یا غیر آن رود که موجب استعمار مسلمین یا ممالک آنان مرچند پنحو معنوی گردد برعموم مسلمین اجتناب از آن ها و تحریم اینگونه مرادوات واجب است .
مطابقت باعدم مطابقت لایحه دولتی شدن بازرگانی خارجی باقانون اساسی هرچند کسی از صدور اطلاعاتی شورای محترم نمایان دربره لایحه دولتی شدن بازرگانی خارجی که دران این امر تصریح شده است که : «لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی از نظر قانون اساسی به اکثریت آراء نمایان شناخته شد»

تصور بران بود که از نظر آن شورای محترم لایحه مذکور با قانون اساسی مغایرتی ندارد اینکدر پوشش نمود توضیح فرموده اند که این لایحه باید دو اصل چهارم و پنجم ذیل اصل چهارم متعارض است .
باتوجه به دلایلی که بر مصلحت و ضرورت دولتی کردن تجارت خارجی اقله شد به پشت نجد در مورد موافقت با مطابقت این لایحه با ذیل اصل چهارم و چهارم تجاری نیست لذا به مسئله متعارض لایحه دولتی شدن تجارت خارجی باید دوم اصل چهارم و پنجم بر داشته میگردد .
متن این بند بقرار زیر است : «تأمین شرایط و امکانات کاربرای همه بظنهور زمین به اشتغال کامل و قراردادن وسایل کار و به اختیار همه کسانی که قادر بیکارده ولی وسایل کار ندارند هر شکل تعاونی از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد ه گروه های خاص متنبی شود و نه دولت را بصورت یک کارمندی بزرگ مطلق درآورد» .

چنانکه توضیح فرموده اند دولتی کردن تجارت خارجی به معنوم و نطاق باآن قسمت از اصل چهارم و پنجم میباشد دولت بصورت کارفرمای بزرگ برآید متعارض است آنچه به نظریه نویسندگان این نامه نویسد درمیان حکم اصل چهارم و چهارم قانون اساسی مبتنی بر دولتی شدن تجارت خارجی و حکم اصل چهارم و پنجم این قانون در معنی از اینکه دولت به صورت یک کارفرمای بزرگ برآید متعارضی وجود ندارد درحالی که باتوجه به اصول فصل چهارم قانون اساسی (امور اقتصادی و مالی) معلوم می گردد که این فصل با نظم خاص تدوین یافته است پنحوی کشام اصول آن مکل بیکارونه و تقصیل و تغیر هر امر اصل را از دیگر اصول این فصل باید جهت بنین قراره در این فصل نخست به بیان ضوابطی که نظام اقتصادی جمهوری اسلامی مبتنی بران است پرداخته شده که از جمله این ضوابط یکی آن است که دولت بصورت کارفرمای بزرگ و مطلق مرسیب و دیگری آنکه از تمرکز و تداول ثروت در دست اشخاص و گروه های خاصی منع میشود .

نامه خوانندگان

در نامه‌ای به "راه توده" هواداران حزب توده، ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در کپل (آلمان غربی) به افشای شیوه عمل ساواکی وار ضد انقلابیونی کردمانده که در یک جلسه دانشجویی حضور داشتند و مصلح نظم جلسه شدند.

جریان از این قرار است، که در تاریخ ۲۶ اکتبر ۸۲ در کپل (آلمان غربی) توسط آستای (سازمان عمومی دانشجویی) دانشگاه کیسل جمله بحثی با نمایش یک فیلم تحت عنوان "زبان در ایران" برگزار گردید. هواداران حزب توده، ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نیز برای نشان دادن چهره واقعی انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی میهن‌ما و مبارزه با تحریکات مخالفان انقلاب در این جلسه شرکت کردند.

ضد انقلابیون هوادار رهبری خائن "مجاهدین" که در این جلسه حضور داشتند، از آنجا که منطقی جز ترور و تحریک و آشوب ندارند، از آنجا که می‌دانند تا چه اندازه در ضحینه نبرد سیاسی ضعیف و بدون پایه‌اند، از آنجا که آموخته‌اند که دفاع متین و مستدل پشتیبانان انقلاب بسیار سریع‌تر زمین را از زیر پای آنها می‌کند و آنها را بی‌آبرو و خبیث میسازد، از آنجا که با تجربه خود دریافتانده که در یک بحث سیاسی قادر نیستند با لاتاللات خود استدلالات بی‌طرف و اندیشه‌های را در مقابل استدلالات هواداران حزب توده، ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، مجاب سازند،

دست به ترور زدند و کوشیدند جلسه را بر هم زنند. آنها به عنوان شاگردان خوب آموخته ساواک شروع به عکس گرفتن از هواداران حزب و سازمان کردند. این تروریست‌ها و دستیاران ساواک که در ایران از هیچ جنایتی، حتی کشتن کودکان بی‌گناه و زخم‌کشان ایامی ندارند، در این جلسه هم نشان دادند که چه ارزشی برای افکار عمومی قائلند. آنها با وجود اصرار مکرر شرکت‌کنندگان در جلسه، که از آنها می‌خواستند فیلم عکس‌هایی را که گرفته‌اند، بسنه کرد انندگان جلسه تسلیم کنند، از تسلیم فیلم بسنه آنها خود داری کردند. آنها به خیال خسود خواستن ساواک وار برای مدافعان انقلاب پرونده با "عکس" آماده سازند. آنها حواشن لیست‌هایی را که تا کنون در خانه‌های دانشجویی پخش کرده‌اند و هواداران انقلاب را با نام و نشانی در آن لیست‌ها اسم برده‌اند و از همکاران و مدافعان امپریالیستی خسود ترور و زیر فشار گذاشتن آنان را با عکس مدافعا انقلاب تکمیل کنند.

آیا جوانان صادقی که در دام این ضد انقلابیون افتاده‌اند، چشم‌های خود را بساز خواهند کرد؟ آیا عناصر صادق میدانند به کدام راه قدم گذاشته‌اند؟ گوش کنید! روی سخن با شما عناصر صادق است: شما رفته بودید برای آن چیزی که آن را "حق" می‌پنداشتید، برزید، و اکنون امپریالیسم از شما "جاسوس" و "جویدست" خود تربیت می‌کند. برای اهداف "حق" و درست، شیوه درست و حق لازم است. آنها که شما را "جاسوس" و "پرونده‌ساز" تربیت می‌کنند، شما را به سر منزل حق نخواهند رساند. هشدار! که پایان این راه تپاهی است و بس.

خشم مقدس علیه آمریکا در دل مردم ایران

و نیاوگان آمریکا به شادی و سرور بنشینند. وی اضافه میکند "آمریکازدگان که دیگر نمیتوانند آمریکا را دوست ملت ایران جلوه دهند و خشم مقدس علیه آمریکا را در قلب ملت فروشانند و آنرا از کیدهای آمریکا غافل کنند، تصور میکنند که راه نجات آنها گویا اعمال "موازنه منفی" قطب زاده وار علیه دوستان جهانی انقلاب مد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما و پیروز علیه اتحاد شوروی است. اما مردم میهن ما "شیوه عملی برای پیاده کردن خط برزینگی" را عمیقتر از آن شناخته‌اند، که در چاله آن بیفتند.

در پایان نامه میخوانیم "مردم قهرمان ایران همان طور که در ۱۳ آبان در جواب این توطئه‌گران بساز عزیز مرگ بر آمریکا پرچم آمریکا را به نشانه انزجار از جنایات آمریکا، سلطان بزرگ در گوشه و کنار جهان به آتش کشیدند (اطلاعات ۱۵ آبان ۶۱) در تمام عرصه‌های نبرد آماده و حاضرند تا با اتحاد خود مشت محکمی بر دهان دشمنان داخلی و خارجی انقلاب بکوبند.

یکی از خوانندگان "راه توده" در نامه‌ای با انتقاد به مقاله روزنامه اطلاعات ۱۵ آبان ۶۱ تحت عنوان "تابوت‌های پیچیده در پرچم آمریکا و شوروی"، اسرائیل و فرانسه به آتش کشیده شد. می‌نویسد "متأسفانه مریانه‌های انقلاب، پلیسهای عبور دشمن، انواع دستجات راستگرا، انجمنهای منکوک، محافظ قشری و عناصر "میانرو" و معتدل دلخواه آمریکا دست به دست هم علیه انقلاب بزرگ ملت ایران مشغول توطئه هستند و فعلا نه در تمام عرصه‌ها به خرابکاری مشغولند".

وی با اشاره به شیوا استفاده از روز ۱۳ آبان روز خشم مقدس خلق و دانشجویان پیرو خط امام علیه آمریکا، که سرآغاز "انقلابی در رشد" و در سایه سیاست خارجی ناروشن و سردرگم جمهوری اسلامی ایران "می‌نویسد" این عناصر شوروی را مطرح کردند تا آمریکا را ضعیف سازند.

ظافل از اینکه طنین شعار مرگ بر آمریکا و عسرم راسخ ملت ایران، تحت رهبری امام خمینی، هرگز اجازه نخواهد داد که این خشم مقدس فروکش کند.

اعتراض نامه به روزنامه "ال پایز"

هواداران حزب توده، ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اسپانیا در اعتراضنامه‌ای به روزنامه "ال پایز" روش‌های تروریستی و غیر انسانی مانند بمب‌گذاری یا ترور فردی را از جانب هرکس و یا هر گروه را شدیدا محکوم کرده و نسبت به انتشار مندرجات روزنامه فوق‌الذکر اعتراض کردند.

روزنامه "ال پایز" بدنیال جریان بسک بمب‌گذاری ناموفق در مادرید، که گویا توسط دو ایرانی انجام شده است، در مقاله‌ای مورخ ۱۹-نوامبر ۸۲ هواداران حزب توده، ایران را، در کنار تروریست‌های "مجاهد"، به عنوان مخالفین رژیم انقلابی ایران قلمداد کرده بود.

هواداران حزب توده، ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اسپانیا ضمن اعتراض به این ادعای روزنامه و تکذیب مخالفت خود با رژیم انقلابی ایران گوشزد می‌کنند، که حزب توده، ایران، حزب طبقه کارگر ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، به عنوان سازمانهای معتقد بسنه سوسیالیسم علمی و پایبند به انترناسیونالیسم پرولتری، جانبدار انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران، به رهبری امام خمینی، پیروند و هستند.

آنها پس از محکوم کردن جریان بمب‌گذاری ادعائی توسط روزنامه فوق، حواستار چاپ نامه خود در روزنامه "ال پایز" شدند. نامه هواداران حزب توده، ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در تاریخ ۲۷-نوامبر ۸۲ در روزنامه "ال پایز" چاپ شد.

بولتن هواداران انقلاب در آمریکا

اولین شماره "Newsletter" بدست ما رسید. ضیق اخبار رسیده در ایالات متحده آمریکا کمیته دفاع از انقلاب ایران تشکیل شده است. در این کمیته هواداران ایرانی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما، به رهبری امام خمینی و سازمانها و شخصیت‌های مترقی و ضد امپریالیست آمریکائی شرکت دارند. هدف آنها تبلیغ مواضع ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب ایران و بیان دستاورد‌های آن برای تیره‌های مترقی آمریکائی است. به این منظور این کمیته دست به انتشار بولتن زده است. شماره اول این بولتن در ۱۵ نوامبر ۸۲ انتشار یافته است.

"راه توده" موفقیت هواداران انقلابی شکوهمند ایران را در ایالات متحده آمریکا برای تحقق اهدافی که در مقابل خود قرار داده‌اند آرزو می‌کنیم.

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

قانون شکنان باید به فرمان امام به دادگاه سپرده شوند

بقیه از صفحه ۱ حقوق قانونی بانوان را از دستبرد مصون داریم!

دفاع می کنند . آنان با شم انقلابی خود رابطه حفظ حقوق زنان را که یکی از عده ترین وظایف انقلاب است گوشزد می کنند .
آنان می آموزاند ، که منافع زنان زحمتکش بخش جدا ناپذیر از منافع کل انقلاب است .
آنان می آموزاند ، که آغاز نقض حقوق زنان در مهین انقلابی ما ، آغاز نقض منافع و دستاورد های انقلاب است .

ما در اینجا بخش هایی از دو نامه مندرج در روزنامه اطلاعات ۴ دیماه ۱۱ را ، که در تائید مطالب فوق است ، چاپ می کنیم :

خواهان ادامه تحصیل هستیم
ما دانش آموزان دختر روستای مزجه خواهان ادامه تحصیل هستیم ، اما مسئولین آموزش و پرورش تا کستان به علت اینکه تعداد دانش آموزان دختر اول زاهدانی ۲۰ نفر و دوم زاهدانی ۱۱ نفر می باشد ، از فرستادن معلم به روستای ما خودداری می کنند و ما را از ادامه تحصیل باز داشته اند . با توجه به تاکید امام امت و حجت الاسلام قرائتی بر روی مسئله سواد آموزی ، خواهان رسیدگی به این مسئله و ادامه تحصیل هستیم .

در نامه دیگری می خوانیم :
" از اخراج ما جلوگیری شود
مادر یاران " مرکز توان بخشی کودکان معلول و عقب مانده ذهنی استان اصفهان " که امر نظافت ، نگهداری و مراقبت کودکان معلول را بعهده دارند ، با دریافت ماهانه یکهزار و پانصد تومان ، خدمات دوشواری و طاق فرسائی را بخاطر این کودکان رنج دیده متحمل می شوند ، از این طریق حداقل هزینه زندگی خویش را نیز تأمین می کنند .

اخیرا عده ای " مادر یاران " را با داشتن مدتها سابقه کار ، بخاطر نداشتن مدرک ششم ابتدایی و بالاتر بودن سن از چهل سال ، اخراج کرده اند

با توجه به اینکه شستن زیر پای کودکان و یا شستشوی کهنه ها و لباسهای کثیف آنان ، شغلی نیست که به مدرک تحصیلی احتیاج داشته باشد ضمنا اغلب ما موقع استخدام کمتر از چهل سال سن داشته ایم ، از مسئولان امر تقاضا داریم راضی نشوند به زندگی ساده و پر مشقت ما که هر یک متکفل تأمین هزینه يك خانواده هستیم ، لطمه ای بخورد و دستور دهند از اخراج ما جلوگیری شود

حقوق دمکراتیک تجزیه ناپذیر اند
تعی توان آنها را در مورد عده ای از مردم نقض کرد و برای بخش دیگری حفظ نمود .

آنهاست که ضد قانون شکنی و نقض حقوق مردم را دارند از حلقه ضعیف تر اجتماعی ، از گروه های کوچکتر اجتماعی آغاز می کنند . مثلا حق کار در ایالات متحده امریکا در ابتدا از سیاه پرستان سلب می شود و یا در آلمان امپریالیستی دگر اندیشان از حق قانونی انتخاب شغل محروم می شوند . با آغاز دوران تشدید بی کاری و بحران اقتصادی در کشورهای سرمایه داری و امپریالیستی سرمایه دارها در ابتدا زنان را بی کاری می کنند و آنها را به خانه می فرستند . در این دوران سرمایه داران ، که خون زنان کارگر را هم مانعند مردان کارگر به شیشه می کنند ، به يك باره به یاد " وظیفه خطیر مادری " زنان می افتند و بسه اخراج آنها از کار دست می زنند .

این واقعیت ضعیف کشی سرمایه داری راناقضین حقوق زنان در مهین ما نیز به خوبی فرار گرفته اند . از ایشرو می گویند با نقض حقوق قانونی بانوان ، که آنها را حلقه ضعیفتری میبندارند ، قانون شکنی خود را تثبیت کنند .

با پاسخ مثبت به خواست زنان زحمتکش مهین ما ، از جمله دانش آموزان و علاقمندان به تحصیل و همچنین " مادر یاران " به تعمیق دستاورد های خلقی انقلاب کمک کنیم و دست قانون شکنان را کوتاه بمانیم .

سرگردانی کارگران نانواتا کی؟

اکنون که قریب به چهار سال از انقلاب شکوهمند و ضد امپریالیستی مردم ایران می گذرد ، متأسفانه هنوز هیچگونه ضوابط و قوانینی که بیاگر خواسته های عادلانه کارگران باشد وجود ندارد . مناسبات بین کارگر و کارفرما نه تنها هنوز مهر و نشان دوران ظلمت را بر خود دارد ، بلکه سرمایه داران به کمک عناصر راستگرای که در مقامات دولتی مستقر شده اند در مواردی حتی شدید تر از گذشته حلقوم کارگران را می فشارند . در این مورد می توان از جمله به خود کامگسی صاحبان نانوایشیا اشاره کرد . چند تن از نمایندگان سندیکال و شرکت تعاونی کبار گران نانوایشیا در تهران به مشکلات و خواسته های کارگران نانوایشیا اشاره کرده می گویند :

" کارگران نانوایشیا از هیچ قانون و مقرراتی برخوردار نیستند " (اطلاعات ۲۴ و شنبه اول آذرماه ۱۳۱۱) .
آنها با اشاره به اقدامات غیر قانونی و ضد کارگری وزارت کار می گویند :
" قانونی اعلام کردن " سند نگاه ، مطالب فعالیت آزاد سبب نگاه می شوند و می گویند :
" در شرایطی که کارفرماها سازمان صنفی مستقل خود را دارند ، چرا ما کارگران مستضعف نانوایشیا فاقد آن باشیم . در حالیکه کارگران به سندیکال خود به عنوان تنها مرجعی که می توانند برای دسترسی به خواسته های برحق خود مراجعه کنند ، نیاز دارند . در همین مصاحبه کارگران اعلام کردند :

" آنها حتی از بیمه محرومند . . . حق عائله مندی . . . از سوی کارفرما قطع شد وزارت کار هیچ واکنشی نشان نداد . . . مسئولین بدون هیچ دلیلی اجازه تجدید انتخابات (سندیکا) را به ما نمی دهند . . . "

اینها همه دلیل بر این است که وزارت کار هوادار حفظ نظام سرمایه داری با سرپوش اسلامی است . در غیر این صورت آقای وزیر کار " بر خورداری از بیمه و بازتستکی ، حق استفاده از مسرخصی سالانه ، دریافت حقوق مکفی ، دریافت حق عائله مندی ، بر فراری يك روز تعطیلی در هفته و غیره " (اطلاعات یکشنبه ۳۰ آبان ۱۳۱۱) را باج بگیری کارگران از کارفرمایان و مسئولین نمی دانست!

در مقابل این گفته ها ، گفته های رئیس جمهور که بازگوکننده واقعی قانون اساسی است ، قرار دارند . رئیس جمهور ردیدار با اعضای شورای مرکزی خانه کارگر در روز ۱۷ دی ماه ۱۳۱۰ می گوید :

" وظیفه دیگر شما دفاع از حقوق کارگر است ، یعنی شما به عنوان يك تشکل کارگری و تشکلی که برای مسائل کارگری تلاش می کنید ، باید از حقوق کارگر ، اگر دارد تضعیف می شود دفاع کنید . " با توجه به این سخنان است که رفیق کیانوری می گوید :
" رئیس جمهور قبول دارند که وقتی حق کارگر تضعیف می شود نهاد هایی باید از حقوق طبقه کارگر دفاع کنند . طبقه کارگر باج نمی گیرد . . . کارگر حق خود را می خواهد بگیرد و این حق الان تضعیف می شود . " (پرسش و پاسخ ۱۳۱۱/۱/۹)



زنان زحمتکش روستایی بعد از کار طاقت فرسای روزانه

در هفته ای که گذشت:

خطر آمریکا و متحدینش جدی است!

همزمان با نزدیک شدن نبرد " که برکه " در خالصیت جمهوری اسلامی ایران به مرحله تعیین کننده آن، امپریالیسم و متحدینش در برای وارد آوردن ضربه نهایی به انقلاب ایران آماده می شوند. " فعل و انفعالات سیاسی - نظامی در منطقه خلیج فارس وارد مرحله تازه ای می شود. " این امری است که سرمقاله روزنامه کیهان مورخ ۲۲ دی ماه ۱۳۶۱ بدستی بن آن

اشاره دارد. خوانندگان " راه توده " بخاطر دارند که چند ماه پیش آمریکا چه اصراری بر توسعه " حوضه عمل پیمان تجاوز کار ناتو داشت. در حقیقت امپریالیسم آمریکا از این نقطه نظر حرکت می کرد که پاسداری از منافع امپریالیسم جهانی در گوشه و کنار دنیا (و مهمتر از همه در خلیج فارس) کاری است که باید همه کشور های امپریالیستی در آن سهم باشند. اینک

بنظر میرسد که هر چند این امر بصورت رسمی در اسناد ناتو فید نشده، اما آمریکا و متحدینش امپریالیستش فرانسه بنوعی تقسیم کار در رابطه با سیاست منطقه دست زد ماند. از یکسو امپریالیسم آمریکا در ظاهر بگفته ژنرال هیگ وزیر خارجه پیشین ریگان، در " جنگ خلیج " موضعی بیطرفانه، همراه با همبستگی با عراق " گرفته است، و از سوی دیگر فرانسه در چارچوب حفظ منافع انحصارات امپریالیستی بنوشته روزنامه کیهان " وظایف و مسئولیتهای تازه ای بعهده گرفته است. "

دیر زمانی است که فرانسه، " مهد دیکراسی و آزادی " (!) به مهد ساواکی ها و سرمایه داران فراری و سلطنت طلبان و ضد انقلابیون تبدیل گشته است. علاوه بر این، فرانسه از آغاز جنگ تحمیلی هر روز بیشتر بکمک نظامی و تسلیحاتی رژیم صدام می پردازد و سیل اسلحه " فرانسوی به عراق سرازیر شده است. رفت و آمدهای اخیر وزیر خارجه " فرانسه در منطقه حاکی از تشدید فعالیتهای امپریالیسم فرانسه در منطقه خلیج فارس است. "

اینها و شواهد بسیار دیگری حاکی از آن است که خطر آمریکا و متحدینش جدی تر و بزرگتر شده است. آمریکا سرانستی با انقلاب ما ندارد، و از هیچ جنایتی در مقابله با این انقلاب روگردا نیست. توطئه های رنگارنگ مدهیان فرانسوی " آزادی " و " حقوق بشر علیه جمهوری اسلامی ایران را نیز باید بخش از تدارک تجاوز نظامی امپریالیسم " به ایران ارزیابی کرد. "

نواقص و ابهامات ماده ۶ قانون اصلاحات ارضی را بر طرف کنیم!

هفته گذشته آقای سلامتی وزیر کشاورزی در مصاحبه ای با روزنامه اطلاعات پیرامون قانون احیا و واگذاری اراضی مزرعی توضیحاتی داد. وی در رابطه با این مسئله که پس از آغاز اجرای قانون اصلاحات ارضی مصوبه شورای انقلاب، ما لکین جهت سو استفاده و بیرون آوردن زمینها خود از شمولیت قانونی، این زمینها را به باغ تبدیل کردند. و با در نظر گرفتن اینکه در قانون احیا و واگذاری اراضی مزرعی که هفته گذشته در مجلس شورای اسلامی تصویب شد جمله " باغات و قلمستانها در حد نصاب اراضی زراعی منظور نخواهد شد، مگر اینکه از تاریخ ۵۹/۱/۲۶ بدو مجوز قانونی بصورت باغ تبدیل شده باشد. "

از تبصره ۵ ماده ۶ لایحه فوق الذکر زیر فشار کلان زمین داران حذف گردیده، اظهار داشت: " ماده واحد های را در این مورد تهیه و به هیات دولت تقدیم کردیم. البته عد های در واقع چون احساس کردند زمین هایشان مشمول قانون میشود، زمین های خود را تبدیل به باغ نمودند. مثلا در زمین کوهپزخانه و با تاسیسات دیگری را دایر کردند. اشکالات زیادی را بیار آوردند و بهترین زمین های ما تبدیل شده است. زمین هایی که می تواند برنج کشور را تامین کند، تبدیل به باغات شده که محصولا نشان چند آن مورد نیاز بقیه در صفحه ۱۳

رهبری "مجاهدین" در قعر پرتگاه خیانت

پاریس این بار شاهد دسته گل تازه آقای رجوی بدعی ادامه راه بنیانگذاران " سازمان مجاهدین خلق بود. " طارق عزیز معاون نخست وزیر عراق که برای درخواست کمک تسلیحاتی بیشتر و در یوزگی در آستان امپریالیسم به فرانسه آمده بود، ملاقاتی ۴ ساعته (!) نیز با مسعود رجوی " مسئول شورای ملی مقاومت " داشت. نماینده رژیم صدام و رهبر " مجاهدین " بد نبال این ملاقات مفصل بیانیه مشترکی منتشر کردند که در آن حمایت عراق از " اپوس - ژسیون " از قماش رجوی و طرفداری متقابل بل این " اپوزیسیون " از موضع عراق در جنگ علیه ایران تصریح شده بود. جدا از نقشی که این ملاقات در سلسله توطئه های امپریالیسم علیه انقلاب ما ایفا می کند، شایسته است بار دیگر توجه آندسته از پیروان رهبری " مجاهدین " را که هنوز شهامت آنرا نیافته اند که حصار ایجاد شده توسط رهبری خود را بشکنند و حساب خود را از رهبری خائن سازمان جدا کنند، به این نکته جلب کنیم، که هر چه بیشتر در گسستن پیوند های خود با رهبری خائن " مجاهدین " تردید کنند در آینده این امر برای آنها دشوار تر خواهد شد. " سازمان مجاهدین خلق " در بیانیه خود " در رابطه با تجاوز عراق " در تاریخ مهرماه ۵۹ مینویسد:

دهد. " نقل از " بیانیه مجاهدین خلق " در رابطه با تجاوز عراق " مهرماه ۵۹. " اهداف و انگیزه های نامشروع عراق از قبیل توسعه طلبی منطقه ای و دعای ارضی و عملکرد های ارتجاعی آن از قبیل پناه دادن و حمایت از ضد انقلابیون ایران و تجاوز نظامی به خاک میهن ما به هیچ وجه قابل انکار نبوده و به شدت مردود و محکوم است و لذا نیروهای انقلابی در ایران می بایست با شعار " کلیه ی تلاش ها و سلاح های خلق های ایران و عراق بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم " در کنار مردم و نیروهای مردمی قرار گرفته و به دفع تجاوز و دفاع از میهن و مردم بپردازند. " (همانجا)

اینک همه کسانی که آگاهانه از رهبری خائن " مجاهدین " و سیاست این رهبری دفاع می کنند، شریک جرم قتل عام مردم میهن انقلاب پیمان بدست رژیم متجاوز صدام میباشند. رهبری " مجاهدین " اینک دست در دست متجاوزین عراقی، دیگر هیچ لزومی نمی بیند که به عوامفریبی گذشته ادامه دهد. اینک دیگر همکاری رهبری " مجاهدین " با امپریالیسم و دست نشانده گانش در منصفه اظهار من الشمس است. اگر تا دیروز برای نشان دادن چهره واقعی چپ نمایانی نظیر رجوی می باید از گفته تاریخی آگوست بیسل در رایشستاگ آلمان پند می گرفتیم که هنگامی که نمایندگان بورژوازی برای او دست زدند خود را سرزنش کرد، اینک دیگر احتیاجی به این هم نیست، زیرا خود رهبری " مجاهدین " به امر همکاری و نزدیکی خود با آمریکا و ادناپش معترف است. همکاری یا " سیاست تجاوزکارانه " استبداد یعنی حاکم بر عراق " و " توسعه طلبی های ارتجاعی " آن جز چاگری و آستانجویی در درگاه آمریکا هیچ معنایی ندارد. " آیا بازمانده " پیروان رهبری خائن " مجاهدین " از این تازه ترین " شاه " کار بگریز خواهند گرفت؟

" قبل از هر چیز باید یاد آور شویم که سیاست تجاوزکارانه استبداد یعنی حاکم بر عراق، که به دلیل توسعه طلبی های ارتجاعی و درگیری های مرزی را به چنین جنگ تمام عیاری بر علیه میهن و مردم ما تبدیل کرده شد، پیدا محکوم است چرا که رژیم عراق با این اقدام نه تنها جان و مال گروهی از توده های زحمتکش ایرانی و عراقی را به نابودی کشاند و نه تنها خود در جبهه های مشکل از کشورهای ارتجاعی منطقسه قرار گرفت بلکه مانعی جدی نیز در مسیر مبارزات ضد امپریالیستی خلق های منطقه ایجاد کرد و تلاش و کوشش های آن ها را در مسیری انحرافی به نفع امپریالیسم و صهیونیسم به هدر داده و می -

توطئه کثیف سیا علیه جمهوری توده‌ای بلغارستان به رسوایی خواهد انجامید

بزرگترین "دلیلی" که سازمانهای جاسوسی غرب علیه جمهوری توده‌ای بلغارستان ارائه میدهند این است که محمد علی آگجا برای رفتن به غرب از خاک بلغارستان عبور کرده و چند روزی آنجا بوده است. آقایان خودشان را به نفی می‌زنند و گویا نمیدانند که همه ساله میلیونها تن از شهروندان ترکیه از راه بلغارستان به اروپای غربی و برعکس در حال حرکتند، پابین دلیل که این مناسبترین و کوتاهترین راه ترانزیت است.

محمد علی آگجا عضو حزب جنبش ملی گرا، سرهنگ تورکش و دستجات تروریستی "گرگهای خاکستری" است که با سازمان مرکزی جاسوسی امریکا (سی-آی-ای) ارتباط نزدیکی دارند. همین چندی پیش فرانک تریبل مامور سابق سی-آی-ای (که با احتمال زیاد هنوز هم با آن ارتباط دارد) در ساحبه یا تلویزیون لندن گفت که به باند های "گرگهای خاکستری" اسلحه فروخته و روزنامه‌های ترکیه با عناوین درشتی نوشتند "مامور سیا میگوید من به آگجا کمک کردم"، "آن سلاحی را که بسوی پناپ شلیک کرد من تأمین کردم" و غیره.

آگجا پس از فراز از ترکیه در هفت کشور اروپای غربی عضو ناتو اقامت داشته است. در این کشورها پیوسته با سازمانهای نفوذ شیطانی و افراطی و از جمله با شعبات سازمان فاشیستی "گرگهای خاکستری" در آلمان غربی، بلژیک و هلند ارتباط داشته است. در ماههای پیش از انجام عمل ترور او نزد آنها زندگی میکشید و برای هزینه‌های روزمره خود پول دریافت میکرد. واقعات نشان میدهد که این پروکاسیون کیفی از سوی کسانی سازمان داده شده است که از رژیم های جنایتکاری مانند حاکمان شیلی و السالوادور حمایت میکنند و پشتیبان متجاوزان و تروریستهای اسرائیلی هستند.

زمانی بود که فاشیستهای هیتلری رایش نازی را آتش زدند و آدم مفلوک خود فروخته‌ها را بنام کمونیست که گویا با گورگی دیمیتروف و بلغاری دیگر دیده شده است بر میز اتهام نشاندند. اما رفیق دیمیتروف آنچنان رسوایشان کرد که از ترس بی-آبروی بیشتر متهمان بلغاری را تبرئه کردند و مزدور خود را کشتند تا مبادا جاشی آتش افروزان حقیقی را رسوا کند. بازی کثیف سیا با محمد علی آگجا و متهم کردن چند شهرت وند بلغاری به همکاری با او برای ترور پاپ به نتیجه بهتری برای مینگران این پروکاسیون منجر نخواهد شد. همه دنیا میدانند که کمونیستها با ترور فردی مخالفتند و آنرا بضرر مبارزه برای ساختن دنیای رهبا از استعمار و استثمار میدانند. و اما چه کسی از سلاح ترور برای رسیدن به هدفهای رذیله‌ها خود در سالهای اخیر بارها استفاده کرده است؟ پاسخ دادن به این پرسش برای هیچکس دشوار نیست.

مذ هبی در لهستان، در اوضاع و احوالی که آرامش باین کشور باز میگردد و هم برای تروریست جلوه دادن سازمانهای امنیتی کشورهای سوسیالیستی میتواند نقش مهمی ایفا کند و دست کم برای مدت کوتاهی مبارزه علیه تدارک جنگ اتمی در اروپا و امریکای مسیحی را بسوی هدف های دیگری منحرف نماید. اما افسوس!

شخص تروریست دستگیر شده را همه می-شناسند و سوابقش نیز از روز روشنتر است. او شهروند کشور ترکیه است که عضو ناتو میباشد. محمد علی آگجا دشمن هار کمونیسم و کشورهای سوسیالیستی و عضو سازمانهای ناسیونال-فا-شیستی ترکیه است. او مدت ها در خود ترکیه بععلت شرکت در ترورهای سیاسی در زندان بوده و سپس به کمک دوستان خود از زندان فرار کرده و با گذرنامه جعلی عازم اروپا شده است.

این ترورها رسانه‌های گروهی غرب سرشار از ایراد اتهامات هیچ و پوچ علیه جمهوری توده‌ای بلغارستان است. ادعا میکنند که گویا محمد علی آگجا تروریست ترک که در ماه مه سال گذشته بجان پاپ سوئد قصد کرد در ارتباط با کسانی از اهالی بلغارستان بوده است. تروریستهای جاسوسی غرب و در رأس آنها سی-آی-ای باین دروغ از جهات مختلف احتیاج فراوان دارند و فکر میکنند اگر بتوانند با اشاعه آن اشخاص ساده لوح و زود پا را بفریبند سوئد فراوانی خواهند برد. پاپ یوهان پاول دوم نه تنها پیشوای مذهبی کاتولیکهای همه کشورهای است بلکه یک لهستانی است. پس اگر یک شهروند کشور سوسیالیستی و یا لاقط یک کمونیست از کشورهای دیگر بعنوان عامل سوئد قصد معرفی شود، این هم برای مشوب کردن افکار توده‌های

در هفته‌ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲

حیاتی کشور نیست. از طرفی ما هم نمی‌توانیم زمین‌های جدید را به برنج اختصاص دهیم، چون آن مقدار نیست که آب کافی داشته باشند و این در نهایت ما را با اشکالات زیادی مواجه خواهد کرد. به هر حال قسمتی از آن ماده قا-نون که می‌توانست در این رابطه مفید واقع شود و به این طریق جلوی یک سری خلاف‌ها را بگیرد، حذف شد. ولی بدلیل اهمیت و حساسیت موضوع، انشاالله این ماده پیگیری خواهد شد تا در مجلس مورد تصویب قرار گیرد و بدین ترتیب جلوی تبدیل زمینها به تاسیسات دیگر گرفته شود.

پشتیبانی مقامات وزارت بازرگانی از تروریستهای اقتصادی

دادستان ویژه امور صنفی تهران در یک مصاحبه رادیو تلویزیونی به تاریخ ۲۲ دی ۶۱ در مورد تحلفات وزارت بازرگانی اظهار داشت: "در حال حاضر احتکار و گرانفروشی مسئله بسیار مهمی است که به اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران آسیب می‌رساند و باید راحل‌های مناسب برای جلوگیری از آن پیش‌بینی شود."

وی عدم توزیع صحیح کالا را مهمترین مسئله گرانگی و احتکار دانست. دادستان ویژه امور صنفی تهران آنگاه در پاسخ سئوال یکی از خبرنگاران در زمینه تکذیب گرانفروشی کره از سوی وزارت بازرگانی گفت:

"تکذیب کارآسانی است ولی برای آن باید دلائلی ارائه شود و مادر مورد هر مسئله‌ای که عنوان کردیم دلائل کافی در دست داریم. وی

افزود: "این دادستانی در رسیدگی‌های متعددی که انجام داده است به موارد زیادی از تخلف‌ها در سازمانهای تابع وزارت بازرگانی برخورد کرده که تکذیب نمی‌تواند در این موارد موثر واقع شود." وی آنگاه ضمن اعلام موارد متعددی از کارشکنی‌های مقامات وزارت بازرگانی از حمایت رئیس دیوان عالی کشور در رابطه با تعقیب تروریستهای اقتصادی و محترکین و عاطین گرانفروشی تجلیل کرد و افزود: "انتظار ما از مقامات ادارات دولتی این است که اگر یکی از اعضای آنها متخلف شناخته شد برخوردشان با وی براساس تنبیه و مجازات باشد نه اینکه از وی پشتیبانی هم بشود." دادستان ویژه امور صنفی در پاسخ به این سوال که چرا نهاد دادستان برای مهار گرانگی موثر نبود، گفت:

"ریشه اساسی این مسئله به وزارت بازرگانی بر میگردد و ما در این زمینه وزارت بازرگانی را مقصر میدانیم و تا آنجا که امکان داشته باشد با محترکین و گرانفروشان مبارزه می‌کنیم."

دادستان ویژه امور صنفی در پاسخ به این سوال در مورد چگونگی رسیدگی به یکی از پرونده‌های تخلف در امر توزیع آهن که نام یکی از کارکنان پداهای مجلس نیز در جریان آن مطرح شده است (اکبر پوراستاد) گفت:

"چنین پرونده‌های در این دادستانی تحت رسیدگی قرار دارد و شخص مذکور نیز در این رابطه برای ادای توضیحات حاضر شده است."

دادستان ویژه امور صنفی سپس در زمینه عرضه بیش از حد مجاز آهن در تهران گفت:

"علی‌رغم سهمیه‌های که برای تهران در نظر گرفته شده است وزارت بازرگانی بیش از این مقدار برای تهران سهمیه آهن اختصاص داد که این برخلاف ضوابط بوده و منجر به کاهش سهمیه سایر استانها شده است."

آقای مدیر عامل "قفل" را قدارک می بیند!

راستگرایان با دستان پر مشغول بکارند تا آبهای رفته را به جوی بازگردانند و دستاورد های انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی میهن ما را به رهبری امام خمینی پایمال سازند . به این منظور "موازن شرعی" و "شیوه های اسلامی" جملاتی اند که آنها مثل نقل و نبات به دهان دارند . آنها هر پیش نویس قانونی که تدوین می کنند و یا هر پیشنهاد اقتصادی و بانکی را که ارائه می دهند به نام "روشهای اسلامی" قالب می کنند و برای آن "کلاه شرعی" را آماده می سازند .

در حالیکه آقای تولگی و شرکا مشغول سر- هم کردن قانون ضد کارگری هستند ، تا به دست سرمایه داران کلید استثمار مناسب را بدهند ، آقای مرتضی آرامی ، مدیر عامل بانک صنعت و معدن نیز قفل لازم را ، که "روشهای اسلامی" واگذاری اعتبارات توسط بانک صنعت و معدن باشد ، صیقل می دهد و سخت مشغول روغن کاری آن است تا با "شرایط مرضی الطرفین" کارخانه هائی (راکه) توسط بانک تاسیس (شده اند) به افراد متقاضی اجازه بدهد . آقای مرتضی آرامی سیاست اسلامی اعتبارات صنعتی بانک صنعت و معدن را در کیهان ۲۳ آبان ۶۱ به صورت زیر توضیح می دهد :

"... روشهای واگذاری اعتبارات توسط بانک صنعت و معدن (که عبارت است از این که) ... از طریق یکی از عقود اسلامی منابع مالی لازم را در اختیار افراد علاقمند (!) قرار دهد ... (و یا) یک کارخانه توسط بانک تاسیس می شود و با شرایط مرضی الطرفین (!) ، نخست صد درصد "اسلامی" که مطابق است با "توافق طرفین" آقای معتمد رضائی (!) به افراد متقاضی اجازه داده می شود . " آقای مدیر عامل ، که عیقا به "اصول و موازین اسلامی" سرمایه داران پایبند است ، البته این "منابع مالی" را بدون بهره بانکی (!) در اختیار افراد علاقمند قرار می دهد . این بزرگواری از بیت المال را که

دیگر باید همان روغن کاری قفلی نماید ، که وی منطبق با "موازن شرعی" سرمایه داران برای آنها آماده ساخته است ، بهیچ وجه با سوزن نظریه بیت المال نیست ، خیر ! ، آقای مدیر عامل فقط مایل است که این "علاقمدان" هر چه زودتر پول دار شوند و بتوانند "سهام واحد تولیدی" را از بانک بخرند . توجه کنید که آقای مدیر عامل این "سیاست اسلامی" اعتبارات بانک صنعت و معدن را در همان شماره روزنامه کیهان چگونه شیر فهم می کند !

"... در حالت دیگر واحد تولیدی ایجاد شد (توسط بانک) به شرط فروش (توجه کنید) مسئله جبر است ای غلط نیست که "مادیون" را معتقد به جبر می دانند (!) به "فرد علاقمند" اجازه داده می شود و افرادی که واحد تولیدی را تحت اجازه دارند در صورتی که بعد از مدت ، تخایل (نازیشی) به خرید واحد تولیدی مورد اجازه را داشته باشند ، واحد تولیدی از طرف بانک صنعت و معدن به آنها فروخته می شود و اقساط اجازه ای که پرداخته اند بعنوان اقساط خرید واحد تولیدی محسوب می شود حالت سوم ... در زمانی است که فرد متقاضی خودش مبلغی (!) پول داشته باشد . در این صورت بانک حاضر است با متقاضی ایجاد واحد صنعتی شریک شود ... به شرط اینکه متقاضی هر وقت پول دار شد (!) سهام واحد تولیدی را از بانک بخرد ."

"علاقمدان" کیانند؟

آیت الله موسوی اردبیلی در نماز جمعه هفته های اخیر اعلام کرد ، که برای یک زندگی معمولی خانواده ها ماهانه شش - هفت هزار تومان پول احتیاج دارند ، ولی فقط سه تا چهار هزار تومان درآمد دارند . البته آقای آرامی مدیر عامل بانک صنعت و معدن "علاقمدان" خود را در بین این میلیونها خانواده ای که

آیت الله موسوی اردبیلی از آنها صحبت می کند و بخاطر تحمل آنها از آنها تشکر می کند ، جستجو نمی کند و آنقدر خردمند هم هست که "ستاجر" بانک را از بین زحمتکشانی که به قول حجت الاسلام رفسنجانی در سیستان به چرامی روند انتخاب (!) نکند ، بلکه بدنبال "افراد محترمی" بگردد که پول و پله ای "حلال" بدست آورده باشند . از آن نوع افرادی که در سه سال بعد از انقلاب ۱۲۰ میلیون تومان "سود" بردماند و یا به قول آیت الله ملکوتی در مدت ۴ ماه ۳۶ میلیون تومان غارت کرده باشند !

تردید نباید داشت که سرمایه داران و راستگرایان و عوامل آنها قصد براندازی دست آورد های انقلاب و مسخ قانون اساسی و بجزوه اصل ۴۴ آن را دارند . خلق ایثارگر که با دل پر از امید به دفاع از قانون اساسی کمر بسته است ، چشم انتظار آن است که مدافعان راستین زحمتکشان در حاکمیت ج ۱۰۱۰ ، پیروزان راستین خط مردمی امام خمینی ابزار حاکمیت خلق را به آنها ببسپارند ، که از خلق برخاسته اند و به خاطر منافع آن می می اندیشند و عمل می کنند . باید بند به دستان عاملان سرمایه داری که مویانه وار به دستاورد های انقلاب یورش آورده اند ، زد !

بازار ایران و کمپانیهای امپریالیستی

بر طبق مقاله نیویورک تایمز بسیاری از کمپانی های غربی کماکان به فعالیت خود در ایران ادامه می دهند . در یک پروژه صنعتی در بندر عباس بیش از ۲۰۰۰ نفر از کارگران ایتالیائی بکار مشغولند . "هوکست" ، یکی از بزرگترین کتسرن های داروئی آلمان ، هنوز در ایران فعالیت دارد . شعبه های "ولو" و "ب.ام" و "در جرد وسیعی به عرضه لوازم یکسسی اتومبیلی مشغولند و هیئت های ژاپنی دائم در رفت و آمدند تا برای صدور کالاهای خود به بازار ایران با مقامات مذاکره داشته باشند . تجارت با بریتانیا ، بطریق محدودیت مناسب است . سیاسی ، بالغ بر ۶۰۰ میلیون دلار در سال است .

نیویورک تایمز ادامه می دهد : اما از همه مهمتر کشور ترکیه می باشد که اخیرا با اضلای قراردادی فوق شده صدور محصولاتش را به بازارهای ایران از مبلغ ۶۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۸۰ به مبلغ یک میلیارد دلار افزایش دهد . این محصولات در برگیرنده "شکر ، غله ، گوشت ، تراکتور و لوازم الکتریکی است . استرالیا ، زلاندنو صادر کننده "گوسفند و پشم و غله و در مقیاس محدود تری کشورهای اروپائی از قبیل سوئیس ، اطریش و اسپانیا نیز با ایران مرادوات تجاری دارند .



پاسخ‌های پرت و پیلا به سؤالات سیاسی شما!

چندی پیش در ستون " پاسخ سئولات سیاسی شما " در روزنامه جمهوری اسلامی مطلبی زیر عنوان " تا کتون چند قرارداد اتی بین ایر قدرتها به اطبا رسیده است؟ " در چند شماره انتشار یافت. مطالب این ستون معمولا در چنان سطح نازلی است که ارزش نگاه کردن را هم ندارد. اما این بار سوئیت نوشتنسه همراه بیسواد ی سیاسی و خود پسندی او رکورد تازه ای از بی مسئولیتی در برخی از مطالب روزنامه جمهوری اسلامی بجای گذاشت است. هنگام خواندن نوشته معلوم شد با يك آدم متظاهر و کم سواد سروکار داریم که نه زبان فارسی را بد رستی میداند نه انگلیسی را تا حد يك ترجمه ساده آموخته و نه از سیاست چیزی سرش میشود. بهره وقتی به بخش " قرارداد جواد ث دریا های بلند " رسیدیم انگشت پیسه دهان حیران ماندیم. تا بحال همه رقم دریا شنیده بودیم جز دریا های بلند! خوشبختانه نویسنده (ویا بهتر است گفته شود مترجم) چون خود نیز از ترجمه خوش چیزی نفهمید و بود اصل انگلیسی آنرا به ترتیب زیر آورد: (Incident of the High Seas Agreement) مجبور شدیم در ریدر دنبال يك فرهنگ انگلیسی به فارسی بگردیم. بالاخره به كك يك فرهنگ كوچك مفهوم کلمه High واقعا هم به معنی بلند هم است ولی High Seas آن چیزی است که ما به آن دریا های آزاد میگوئیم و با آبهای ساحلی کشورها فاصله معینی دارد. کلمه (Incidents) را نتوانستیم پیدا کنیم زیرا وجود نداشت. فکر میکنیم ایشان آنرا به جای (Incidents) بمعنی روداد های

تصادفی آورده بوده باشد. از اینگونه اشتباهات املائی و ترجمائی در سراسر نوشته فراوان بود مترجم توضیح داده بود: " این قرارداد امنیت کشتی رانی برای ناوگانهای روس و امریکا را تضمین میکند و سنجش های آماده شده برای امنیت پرواز هواپیما های نظامی برفراز دریا های بلند را شامل میگردد. این قرارداد بین امریکا و روس است. " متأسفانه از این جمله " فارسی هیچ سردر نیار داریم و چون پاسخگو این بار معادل انگلیسی کلمه " سنجش " را نوشته بود، فرهنگ كوچك هم دیگر نمیتوانست ككی بکند. " سنجش های آماده شده برای امنیت پرواز هواپیما های نظامی برفراز دریا های بلند! " شاید از نظر ادبی جملای استادانه باشد ولی متأسفانه بکلی بی معنی است. پاسخگو که ظاهرا باید از توأیین (و شاید هم از نفوذی های) انجمن حجتیه باشد، همه جا به جای اتحاد شوروی که در اصل انگلیسی (USSR) یعنی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بوده کلمه " روس " را بکار برده است. حتا خود ایشان بهنگام تکبیر گوئی، موافق توصیه " انجمن " فریاد " مرگ بر شوروی " سر میدهند ولی معلوم نیست چرا در این سلسله مقالات مانند رئیس جمهور مخلوع اینقدر روی کلمه " روس " تکیه کرده است که حتی بمعنی روسیه هم نیست چه رسد به اتحاد شوروی. شاید چنین پنداشته که اگر بجای اتحاد شوروی " بعویبه " روس " توهین بزرگتری به همسایه بزرگ شمالی میشود که علاوه بر خوشحال کردن

گردانندگان انجمن حجتیه و سیا و موساد و اینتلجنت سرویس موجب بالا رفتن شخصیت ناچیز خودش نیز میگردد و میتواند در میان سرو همسر پزیدهد و بگوید: " این منم که در روزنامه جمهوری اسلامی به اتحاد شوروی میگویم " روس " و آب از آب تکان نمیخورد. در حالیکه روسها جرئت ندارند بگویند جمهوری اسلامی ایران " آقا ی پاسخگو تمام مطالب خود را کلمبه کلمه و مخلوط از منابع آمریکائی ترجمه کرده و بدون اینکه خودش معنی آنها را بفهمد برای چاپ به روزنامه داده است. به دیگر سخن او پیرامین آنچه که میخواهد به خوانندگان جمهوری اسلامی بگوید تا گویا سطح معلومات سیاسی آنانرا بالا ببرد، خود كوچکترین معلوماتی ندارد و آنچه را که از منابع امپریالیسم خبری با انگلیسی شکسته بسته خوش سرهم بندی میکند بخورد خوانندگان میدهند. این واقعا حیرت انگیز و شرم آور است. آیا سردبیر روزنامه جمهوری اسلامی فکر نمیکند که با چاپ کردن این ترجمه های مخلوط و بی ارزش به حیثیت سیاسی رئیس جمهور که صاحب اقتیاز روزنامه است، لطمه میزند؟ واقعا بسختی میتوان درك کرد که چگونه افرادی این چنین مغرض و کودن نتوانستند مواضع معینی را در هیئت تحریریه روزنامه جمهوری اسلامی اشغال کنند و هر چند لشاک خواست بنویسند و از هیچکس پاکشان نیاشد؟ چه خوب بود اگر مسئولان روزنامه یکنفر را مامور میکردند این ترجمه را بررسی کنند و اصل آنرا بیابند تا هم منبع اطلاعات برخی از قلمزنان پر مدعا کشف شود و هم میزان فقر معلومات فارسی و سیاسی و... آنان معلوم گردد. اینکار صد در صد بسود روزنامه جمهوری اسلامی خواهد بود.

يك صد ازد و حلقوم

ساواکی های فراری در ورق پاره خود در خارج از کشور به نام " اعدام " (۲۸ آبان) هم صد ابا " میخ ۲/۵ " (اطلاعات ۲۲ آبان) به لجن پراکنی به حزب توده " ایران برداخته اند و بزم خود خوشمزگی کرده و سرگه رفیق برزفرا تسلیت گفته اند. آیا این حیرت انگیز است که نویسنده مقاله " میخ ۲/۵ " و ساواکی های فراری همزمان و همصدا به لجن پراکنی مطبوعاتی علیه حزب توده ایران دست می زنند؟ آنچه مسلم است، این است که اگر نویسنده " میخ ۲/۵ " خود ساواکی نباشد (؟)، دست کم بنا آنها هم فکر و هم نظر است و مطمئنا طعمه ای - خوش طعم برای ساواک و ضد انقلاب. فراموش نشود که جاسوس سیا با بنی صدر تماس گرفت و نه با شهید رجائی. برای اینکه بنا بنی صدر هم فکر، هم نظر و هم سلیقه بود. آیا این صدای واحد ازد و حلقوم متفاوت برای مسلمانان مبارز همداری آموزنده خواهد بود؟

دموکراتیک و از جمله حق فعالیت آزاد سیاسی احزاب طرفدار انقلاب و قانون اساسی و بسیاری عرصه های دیگر، در این جا نیز سر نوشت فرمان امام خمینی، در واقع، وابسته است به نتیجه يك نبرد جدی و پره دامنه. ما تودهای ها در این صحنه " نبرد نیز، هما سایر عرصه ها، ناظر بی طرف نیستیم. ما جانشین انقلاب و خصی را که با تعبیری عمیق و مردمی و انقلابی، خواستار اجرای فرمان و علی شدن آن در همه سطوح فردی - خصوصی و اجتماعی سیاسی و گسترش آن به زمینه های ریشه ای طبقه است، می گیریم. وظیفه ماست که اهمیت این صحنه تازه نبرد را برای همگان توضیح دهیم. مردم را در بونه " عمل و آزمایش با برخورد ها و تعبیر های مختلف نسبت به آن آگاه کنیم و آنان را در دفاع از منافع انقلاب و پیشبرد خواست های اساسی خویش بسیج کنیم. وظیفه ماست که با پیگیری فعالیت های ارگان ها و نهاد ها و موضع گیری شخصیت ها و دولتمردان و اقدامات " ستیاد مرکزی پیگیری فرمانان امام، گهر و سبای بازرسی کسل کشور و دیوان عدالت و وزرای کشور و مشاور در امور اجرایی را در بر می گیرید، تعقیب کنیم.

محتوای فرمان امام خمینی

بقیه از صفحه ۲

درك این دو نکته و تحلیل رویداد هایی که پس از صدور فرمان امام خمینی گذشته، نشان می دهد که درباره فرمان يك صحنه نبرد جدی تازه بین پیروان راستین خط امام خمینی و تمام طیف مخالفان نهایی و پیشرفت انقلاب و گذار آن به مراحل ای جدید، گشوده شده است. رویارویی جدی بر سر تعبیر محتوا و معنای فرمان و وضعی که سوچه دستگاه حکومتی است و بر سر اجرا و علی ساختن یا به فراموشی سپردن آن آغاز شده است، همانند سایر عرصه های نبرد " خط " ها، همانند نبرد بر سر مسئله دولتی کردن بازرگانی خارجی و میدان دادن به سرمایه داری عارتگر، بر سر مسئله اصلاحات ارضی و باقی گذاشتن بزرگ مالکی، بر سر مسئله قانون کار و حق کشی از طبقه کارگر، بر سر مسئله مالکیت و ته بین حدود بخش خصوصی و نسبت آن با بخش های دولتی و تعاونی و در نتیجه راه آینده تکامل مینهن ما، بر سر مسئله آزادی هگا



نویسندگان آمریکایی علیه سیاست تسلیحاتی ریگان

۵۲۷ نویسنده آمریکایی طی پیامی مخالفت خود را با سیاست تسلیحاتی دولت ریگان اعلام کردند. این پیام که در روزنامه "لوس-آس-آی" منتشر شده است، به سیاست ناچیز جلوه داد و خطر جنگ هسته‌ای که به نظر توجیه سیاست‌افزار بی بند و بار تسلیحات انجام بگیرد شدیداً حمله کرده است. این گروه از نویسندگان که خود را "شاعران برای صلح" مینامند در پیام خود دربارهٔ واژه‌هایی که در تبلیغات رسمی دولتی حول مسائل نظامی انجام می‌گیرد نوشتند، واژه‌های "ضربه پیشگیرانه" یعنی "ضربه اول"، جنگ هسته‌ای محدود یعنی جنگ هسته‌ای که در آن بین ۲۰ تا ۱۰۰ میلیون آمریکایی جان خود را خواهند باخت "سلاحهای هسته‌ای متعارف" یعنی سلاحهای کوچکی که خط مقدم جبهه بکار گرفته میشود، واضعتر بگوئیم، یعنی بمبهایی که آمریکا بر روی شهرهای هیروشیما و ناگازاکی برتاب کرد. و امروز اینها سلاحهای تاکتیکی خوانده میشوند. "عکس‌العملی در خور" یعنی تهدید به استفاده از سلاحهای هسته‌ای در خارج میانه برای تأمین جریان نفت به آمریکا و "نیروی مقابلگر" یعنی تکامل سیستم‌های موشکی دقیق چون "تراژیدنت" و "ام-۱ ایکس" که در ضربه اول بکار برده میشود. و بالاخره "قربانیان قابل قبول" یعنی ۱۰، ۲۰، یا حتی ۶۰ میلیون کشته. در تاریخ بشری هرگز زمانسی نبوده است که یکباره ۶۰ میلیون انسان جان خود را از دست بدهند. حتی فکر کردن در این باره قابل تحمل نیست.

پیشنادهای صلح اتحاد شوروی در مورد خلع سلاح

گذشته موشکهای اتن میانبرد و هواپیماهای حامل بمب اتنی را با هم و بعنوان یک واحد حساب کند صرف نظر می نماید. به این ترتیب دیگر موشکهای شوروی برای توازن قوا علیه هواپیماهای حامل بمب اتنی آمریکا به حساب آورده نمی‌شوند. در حال حاضر ۱۰۰۰۰ تن موشک دارای ۱۱۱ فرزند از این نوع هواپیماها است. در مقابل فرانسه دارای ۴۶ فرزند، انگلستان دارای ۵۵ فرزند و آمریکا دارای ۷۱۲ فرزند از این نوع بمب افکنها هستند. هدف استراتژی همه آنها نیز اتحاد شوروی است.

پیشنهاد های صلح اتحاد جماهیر شوروی در مورد خلع سلاح که دبیر اول حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی آنان را در مسکو ارائه داده از جمله عبارتند از:

۱- ج. ۵۰ تن موشک حائز امت در اروپا فقط همان اندازه موشکهای میانبردهای داشته باشد که فرانسه و انگلستان مجموعاً دارند (۱۶۲ عدد). برای این منظور اتحاد شوروی باید صدها موشک اتنی از جمله تعداد زیادی موشکهای اس-۱۰۰ را از دور خارج کند.

۲- با این پیشنهاد ج. ۵۰ تن موشک از اینکه...

«بهشت سرمایه داری»

ها شب را به روز میرسانند در نیویورک ۲۰۰۰ نفر شبها را در راهروهای خانها، ایستگاههای مترو و زیرپلها، بسر میآورند. رقم اینگونه افراد در واشنگتن ۱۰۰۰۰ و در هستون ۵۰۰۰ نفر است.

اخیرا شهرداران ده شهر آمریکا طی نامه‌هایی به ریگان خواستار کمک فوری و جدی دولت به بیکساران شده‌اند. تا آنها بتوانند زمستان را پشت سر بگذارند. شهردار دیترویت در آغاز سال گذشته حذف میلیارد ها دلار از بودجه مخارج اجتماعی را از عوامل بحران دانسته بود و نسبت به عواقب سیاست تسلیحاتی به دولت اخطار نموده بود. اخیرا در کنفرانس فرمانداران دریوتا، تمامی فرمانداران ۵۰ ایالت متفق‌القول بالا رفتن بودجه نظامی و کاهش بودجه های اجتماعی را از عوامل عده بحران ارزیابی نمودند. صرف میلیاردها دلار از بودجه کشور در امر تسلیحات که میتواند برای ایجاد کار و اشتغال مورد استفاده قرار گیرد مسئله را پشت بخرنجتر کرده است. اخیرا منشی فحلی حزب کمونیست آمریکا در شهر میشیگان با تلخی تمام اعلام داشت که تمامی ۲۰۰ تقاضای او برای پیدا نمودن کار که به موسسات مختلف ارسال شده بودند بی نتیجه مانده است.

بد نیال اعلام حالت اضطراری در دیترویت فرماندار میشیگان نیز در این شهر حالت اضطراری اعلام کرد. شهردار دیترویت اعلام داشته در صورتیکه اقدامات جدی و فوری برای کمک بکسانیکه از داشتن سرپناه و غذای گرم محروم هستند، صورت نگیرد، در ایام زمستان صد ها نفر از سرما یخ خواهند زد. از شهر ۱/۲ میلیونی دیترویت ۴۰۰۰۰۰ نفر به غذای گرم دسترسی ندارند. از این تعداد فقط ۲۰۰۰۰ نفر میتواند از تسهیلات آشپزخانه‌هایی که برای این کار تدارک دیده شده‌اند، استفاده کنند.

طبق گزارش خیرگزاریهها تقریباً در تمام آمریکا جایی نیست که از این وضع بحرانی در امان باشد. در شهر مینه سوتا بخشی از اهالی شهر، هفته‌هاست که فقط با کمک های مالی جمع‌آوری شده میتوانند زندگی کنند. در پایتخت آمریکا ۴۰ آشپزخانه که توسط کلیساها تدارک دیده شده در عرض هفته به ۱۵۲۲۱ نفر غذای گرم میدهند. مشکل بیکاری بی‌خانمانی را نیز به همراه دارد. هم اکنون ۲ میلیون نفر در سرتا سر آمریکا بی سرپناه میباشند از این تعداد ۳۰۰۰۰۰ نفر در کنار جاده

کنفرانس مطبوعاتی فضا نوردان در مسکو

در یک کنفرانس مطبوعاتی در مسکو و فزانورک که با سالیوت ۷ بعدت ۲۱۱ روز در فضا بودند و چندی پیش بزمین بازگشتند، کاربرد پروازهای فضایی را در امر اقتصاد ملی تشریح کردند.

آنان گفتند در ایامی که آنها مشغول پرواز فضایی بودند نتایج تحقیقات زمین شناسی در سالیوت توسط ۶ گروه زمین شناس در مناطق مختلف مورد بررسی قرار گرفت و دقت همه آنها تأیید شد. فضا نوردان همچنین اعلام داشتند که با کمک تحقیقات فضایی انجام گرفته، کربستالهای نیمه هادی جهت استفاده در صنایع الکترونیکی هم اکنون در دسترس این صنایع قرار داده شده است.

در مدت پرواز صد گزارش مربوط به رشته های گوناگون پیرا اقتصاد کشاورزی و جنگلداری مخابر شده است.

فضا نوردان همچنین از موفقیتهای طب فضایی

بپیوده نیست که ۱۰۰۰۰ کودک دیترویتی در آغاز سال جدید در مقابل سؤال پابانویل که چه آرزوی دارید " پیدا شدن کار برای مادران و پدرانشان " را آرزوهای بزرگ خود اعلام داشتند.

راه تووه

RAHE TUDEH
No. 24
Friday, 14 Jan. 83

Winfried Schwarz
Address: **Markgrafenstr. 13**
6000 Frankfurt 90

Prices:	England 36	P.
West-Germany	Belgium 22	Fr.
1 DM	Italy 350	L.
Franco 3	U.S.A. 40	Cts
Austria 8	Sch. Sweden 2	Skr.